

شورای امنیت

متوقف کردن کشتی های عراقی را مجاز اعلام کرد

*سفارتخانه های خارجی در کویت، در محاصره ارتش عراق اند

*صدام حسین: دیگر کشوری به نام کویت وجود ندارد

صدام حسین رئیس جمهور عراق در واکنش نسبت به پنجمین قطعنامه شورای امنیت سازمان

ملل در مورد بحران کویت که شنبه ۲۵ اوت صادر شد و از چهار قطعنامه قبلی فراتر رفت، دست

به تهدیدهای تازه ای زد و گفت هر حمله به اهداف عراقی، به یک "خونریزی غیر قابل پیش بینی" خواهد انجامید. خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل آمادگی خود را برای میانجی گری جهت کاستن از تشنج اوضاع در منطقه خلیج فارس اعلام کرد. به گزارش خبرگزاری عراق، صدام حسین برای گفتگو با پرز دو کوئیار اظهار آمادگی نمود.

قطعنامه ۶۶۵ شورای امنیت که در نخستین ساعات ۲۵ اوت به تصویب رسید، به کشورهای درگیر اجازه می دهد برای اجرای تحریم های اقتصادی علیه عراق، به نیروی اسلحه نیز متوسل شوند. اما پس از صدور قطعنامه جدید نیز صدام حسین گفت "کشوری با نام کویت" دیگر وجود ندارد. وی در همین حال طی گفتگویی با روزنامه نگاران خاطر نشان کرد

که آماده است از طریق مذاکرات راه "حل سیاسی" بحران را هموار کند.

به دنبال مذاکرات ادوارد شوارنادزه و رولان دومووزاری خارجه شوروی و فرانسه در مسکو، دو طرف طی بیانیه مشترکی "نگرانی عمیق" خود را در مورد تحولات در بحران خلیج فارس مورد تاکید قرار دادند و از عراق خواستند "واقع بینی و عقل سلیم" از خود نشان دهد. شوروی و فرانسه، بغداد را فراخواندند که "از اراده جامعه بین المللی که در قطعنامه های شورای امنیت بازتاب می یابد پیروی کند".

بسیاری از ناظران، قطعنامه ۶۶۵ شورای امنیت را "تاریخی" ارزیابی کردند. این قطعنامه پس از چند روز مذاکرات بقیه در صحنه ۲



مانور مشترک سربازان مصری و آمریکایی با وجود تبلیغات موثر ضد آمریکایی و ضد اسرائیلی صدام حسین، اکثر دولت های عرب خود را در جبهه مقابل عراق قرار داده اند.

وزیر اطلاعات: کنترل، شناسایی و دستگیری ها تشدید خواهد شد

حجت الاسلام فلاحیان وزیر اطلاعات رژیم اعلام کرد، دستگیری اعضای نهضت آزادی، جمعیت دفاع از آزادی، عاکمیت ملت ایران ادامه خواهد یافت، وی هم چنین خبر د که کنترل و شناسایی افراد بهانه مبارزه با جاسوسی شدت خواهد یافت.

فلاحیان که روز پنجم شهریور یک کنفرانس مطبوعاتی سخن گفت اتهامات نهضت آزادی، جمعیت دفاع از آزادی، ارتباط با راج از کشور و "شرکت جنگ روانی علیه مسئولان جمهوری اسلامی" اعلام داشت و ت: "در حال حاضر ۲۰ نفر از ن دستگیر شده اند ولی با اربایی که کرده اند افراد شتری نیز دستگیر خواهند شد".

دور تازه تهاجم رژیم به نشت آزادی پس از انتشار نامه هور ۹ نفره آغاز شد. تا قبل از نمادهای سرکوبگر و اوباشان ب الهی رژیم هر چند وقت بار به این جریانات حمله می دند. رهبران سرشناس آنها را رد ضرب و شتم قرار می دادند، الشان را قمارت می کردند و

دستگیری و بکیر و بپند مسئولین آنها آغاز شد، مصاحبه های تلویزیونی سرهم بندی شد. اکنون سر جلا در رژیم خبر از ادامه این سیاست و گسترش آن می دهد.

در مصاحبه مطبوعاتی یاد شده، فلاحیان خبر دستگیری دو شبکه جاسوسی وابسته به آمریکا را نیز اعلام نمود. رئیس ساواک رژیم در این مورد، به جز اعلام اسامی دو تن از متهمین - به جزئیات موضوع اشاره ای نکرد. اعلام این خبر در شرایط

افشاگری به شیوه جمهوری اسلامی

دستجات حکومتی، روزنامه ها را بین خودشان تقسیم کرده اند. از ۳ روزنامه مهم، کیهان را باند محتشمی می چرخاند، اطلاعات دست طرفداران رفسنجانی است و رسالت هوادار بازاریان محترم. فعلا به تبع سیاستهای این دستجات رسالت و اطلاعات در جبهه یک جبهه اند و کیهان در جبهه مخالف. تمامی این روزنامه ها ستونهای ظاهر اظنر آمیزی دارند و حرفهایی را که نمی توانند بطور رسمی در صفحات روزنامه بگویند، در لابلای این ستونها نثار هم می کنند. کیهان "زیر ذره بین" را دارد. روزنامه قدس "کلب اسماعیل" را دارد، رسالت "دوسوسول و دو جوان جلف" را دارد و ... با مطالعه مطالب این ستونها می توان به حق اختلافات دستجات حکومتی پی برد و هم در همین حال اخلاق

بقیه در صحنه ۳

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

در صحنه ۸

به دنبال مرگ مرعشی نجفی

سه روز عزای عمومی اعلام شد

فقیه جمهوری اسلامی که بنا به تصمیم مجلس خبرگان و بدون طی سلسله مراتب آخوندی یک شبه به درجه آیت الهی نائل آمد، با تاکید بر بزرگداشت مرعشی نجفی و سمت دادن به آن می کوشد که از این واقعه برای کلاه خود نمدی بیابد. پس از مرگ خینی و انتخاب خامنه ای بعنوان رهبر جمهوری اسلامی توسط مجلس خبرگان در ابتدا کوشش هایی صورت پذیرفت

که مرعشیته مذهبی و رهبری سیاسی از همدیگر تفکیک شود. بهمین منظور آیت الله اراکی بعنوان مرجع تقلید مورد اعتماد (خامنه ای و رفسنجانی) مورد حمایت قرار گرفت. اراکی نتوانست مقبولیت لازم در میان معتقدان بیابد. اما خامنه ای توانست با گلبایگانی و مرعشی نجفی به نوعی همزیستی و توافق برسد.

در مراسم ختم مرعشی نجفی، سخنران آن، فلسفی خامنه ای را مورد تایید قرار داد و انتخاب وی توسط مجلس خبرگان را ستود. مرعشی نجفی بهنگام مرگ بیش از ۹۰ سال سن داشت.

مرعشی نجفی از "آیات عظام" و مراجع مهم تقلید شیعه در روز چهارشنبه ۷ شهریور درگذشت. جمهوری اسلامی به دنبال مرگ مرعشی سه روز عزای عمومی اعلام کرد. تشییع جنازه وی در شهر قم و با حضور سران رژیم صورت گرفت. سید علی خامنه ای رهبر و ولی

زلزله زدگان همچنان آواره اند کمک ها به کجای رود؟

در روزنامه ها به چاپ می رسد و آنچه که به چاپ می رسد نیز تنها بخش کوچکی است از آنچه که کمک می شود. این کمک ها به کجا می رود و وضع زلزله زدگان چگونه است؟

الیاس حضرتی نماینده رشت در سخنرانی پیش از دستور خود (کیهان ۳۰ مرداد) در این مورد چنین می گوید: "بعد از وقوع این مصیبت و پس از گذشت دو ماه از آن متأسفانه هنوز اسکان زلزله زدگان دچار ابهام است. البته با آنکه تلاش ها و رفت بقیه در صحنه ۳

"طی چند روز گذشته جمعا مبلغ ۲۹ میلیون و ۸۵۹ هزار و ۷۷۰ ریال و به همراه مبلغ ۵۱۵۷ دلار آمریکا و ۳۰ پوند انگلیس جهت کمک به هموطنان زلزله زده تقدیم دفتر حضرت آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری شده است". (کیهان ۲۹ مرداد)

این کمک ها که توسط مردم جمع آوری شده تنها مربوط به دو - سه شهرستان کوچک و چند مسجد در شهر تهران است. هر چند روز یک بار خبرهایی در مورد کمک های عظیم مردم به بازماندگان فاجعه زلزله



در این شماره

از جنگ سرد به جنگ گرم؟

کنگره جهانی سرطان در هامبورگ

طرح پنج عضو دائمی شورای امنیت

برای کامبوج

در صحنه ۳

در صحنه ۸

در صحنه ۸

شورای امنیت متوقف کردن کشتی های عراقی را مجاز اعلام کرد

بقیه از صفحه اول

و تبادل نظر، با سیزده رای موافق و دو رای ممتنع (کوبا و یمن) به تصویب رسید. شوروی و چین نیز که در آغاز در مورد طرح قطعنامه تردیدهایی داشتند، به آن رای موافق دادند. در قطعنامه، از دولت هایی که واحدهای نیروی دریایی خود را به منطقه بحرانی خلیج فارس فرستاده اند، خواسته شده است "از طرف شورای امنیت، به اقتضای شرایط خاص" تدابیر لازم را برای متوقف کردن کشتی ها جهت بازرسی محموله و پی بردن به مقصد آنها به منظور کنترل رهایت تحریم اقتصادی عراق، اتخاذ کنند.

در قطعنامه ۶۶۵، شورای امنیت برای دومین بار طی تاریخ نزدیک به ۴۵ ساله اش، کاربرد نیروی نظامی برای حفظ صلح جهانی را مجاز شمرده است. نخستین بار، در سال ۱۹۵۰ در نتیجه تحریم شورای امنیت از سوی شوروی، قطعنامه مشابهی در مورد کره به تصویب رسید. دولت آمریکا از قطعنامه ۶۶۵ استقبال کرد. مارلین فیتس واتر سخنگوی کاخ سفید به ویژه از موضعگیری میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی به عنوان "یک تحول بسیار مهم" قدردانی نمود.

شوروی قصد شرکت در اقدامات نظامی جهت اجرای محاصره اقتصادی عراق را ندارد. اما ادوارد شواردناده وزیر خارجه شوروی گفت قطعنامه شورای امنیت به سایر کشورها اختیار می دهد که تحریم های مصوب سازمان ملل را با توسل به قهر اجرا کنند. شواردناده اظهار داشت تا جایی که به شوروی مربوط است، "ما طرحی برای کاربرد قهر یا شرکت در اینگونه عملیات نداریم". به گفته وزیر خارجه شوروی، این کشور می خواهد تا وقتی سازمان ملل یک نیروی بین المللی صلح به منطقه اعزام نکرده است، از شرکت در عملیات نظامی در خلیج فارس خودداری کند.

مارگارت تاچر نخست وزیر بریتانیا انجام مذاکرات با بغداد درباره بحران خلیج فارس را به کلی منتفی دانست. موضع مشابهی نیز از جانب میشل روارک نخست وزیر فرانسه اتخاذ شد.

رهبران کشورهای عربی یک ابتکار جدید صلح را تدارک می بینند.

سخنگویان دولت عراق، قطعنامه ۶۶۵ شورای امنیت را "بی اعتبار" خواندند و هشدار دادند که این قطعنامه، بر تشنج در خلیج فارس خواهد افزود. صدام حسین آمریکا را فراخواند بدنبال یافتن یک راه حل سیاسی باشد و از اعمال قهر چشم پوشی کند. وی گفت در غیر این صورت، "ستون هایی از جنازه" ایجاد خواهد شد. در گزارشی که خبرگزاری عراق روز ۲۶ اوت منتشر کرد، آمده است که صدام حسین آماده مذاکره با خاویر پرنز دوکوئیار برای حل بحران خلیج فارس است و دبیر کل سازمان ملل را بدین منظور به بغداد دعوت کرده است. روز قبل از آن، پرنز دوکوئیار گفته بود که از طارق مرزیز وزیر خارجه عراق برای انجام گفتگو دعوت به عمل آورده است و این امکان وجود دارد که

این مذاکرات ظرف چند روز در نیویورک یا ژنو آغاز شود. شمار فزاینده ای از شهروندان خارجی می کوشند از عراق و کویت به اردن و ترکیه بگریزند. سوریه و ایران نیز اعلام کرده اند که مرزهایشان به روی اتباع خارجی که می خواهند از این کشورها عبور کنند، باز است.

سفر والد هایم به بغداد

کورت والد هایم رئیس جمهوری اتریش طی سفری به بغداد موفق شد موافقت دولت عراق برای خروج همه اتباع اتریش را جلب کند. والد هایم روز یکشنبه ۲۶ اوت به همراه ۹۵ شهروند اتریشی به وین بازگشت. رئیس جمهور اتریش روز ۲۵ اوت دوبار با صدام حسین و معاونش طه محی الدین مذاکره کرد. والد هایم نخستین رئیس کشور غربی بود که پس از اشغال کویت توسط عراق با صدام حسین ملاقات می کرد.

والد هایم که قلا دبیر کل سازمان ملل بود، این اتهام را که اقدام دیپلماتیک جداگانه او به معنای شکستن همبستگی بین المللی علیه عراق است، رد کرد. وی گفت اتریش همچنان از قطعنامه های مصوب شورای امنیت در روزها و هفته های گذشته پیروی خواهد کرد. والد هایم در همین حال افزود که صدام حسین برای مذاکرات آمادگی دارد و این امکان که اتباع کشورهای دیگری نیز اجازه خروج یابند، واقعی است.

رئیس جمهوری اتریش که در سفر به عراق، آلویس موک وزیر خارجه دولت وین را نیز به همراه داشت، خاطر نشان کرد که هر چه در توان داشته است، برای آزادی شهروندان سایر کشورها انجام داده و از صدام حسین قول گرفته است که این مسئله بررسی شود. والد هایم در همین حال گفت که در این مورد قول مساعدیهایی دریافت نکرده است، و آنچه بدان دست یافته، حداکثر نتیجه ممکن بوده است.

والد هایم خواهان انجام مذاکرات با دولت عراق شد و گفت که خود در مذاکراتش در بغداد، "ایده های مختلف" برای

جلوگیری از تشدید بحران را مورد گفتگو قرار داده است. دبیر کل سابق سازمان ملل اظهار داشت: "اگرمان می کنم که مذاکرات به انجامش بیاورد." والد هایم وضعیت بغداد را نسبتا آرام توصیف کرد و گفت احساس نکرده است که بر عراق فضای جنگ حاکم است. والد هایم از نتیجه سفرش اظهار رضایت کرد و آزادی اتباع اتریشی را یک "نست خوب" صدام حسین خواند. رئیس جمهوری اتریش چندین بار تاکید کرد که کشورش در آزادی اتباع خود، امتیاز متقابلی به عراق نداده است. وی گفت که انعقاد ندارد مورد استفاده تبلیغاتی صدام حسین قرار گرفته است.

برنت سکوکرافت، مشاور امنیتی رئیس جمهور آمریکا، ملاقات میان والد هایم و صدام حسین و نیز دادن اجازه به اتباع اتریش برای خروج از عراق را تلاشی از سوی صدام حسین برای تحت الشعاع قرار دادن محکومیت جهانی اشغال کویت قلمداد کرد.

قطع برق و آب

سفارتخانه ها در کویت

قطع برق و آب سفارتخانه های خارجی در کویت امنیت در روزها و هفته های گذشته پیروی خواهد کرد. والد هایم در همین حال افزود که صدام حسین برای مذاکرات آمادگی دارد و این امکان که اتباع کشورهای دیگری نیز اجازه خروج یابند، واقعی است.

رئیس جمهوری اتریش که در سفر به عراق، آلویس موک وزیر خارجه دولت وین را نیز به همراه داشت، خاطر نشان کرد که هر چه در توان داشته است، برای آزادی شهروندان سایر کشورها انجام داده و از صدام حسین قول گرفته است که این مسئله بررسی شود. والد هایم در همین حال گفت که در این مورد قول مساعدیهایی دریافت نکرده است، و آنچه بدان دست یافته، حداکثر نتیجه ممکن بوده است.

والد هایم خواهان انجام مذاکرات با دولت عراق شد و گفت که خود در مذاکراتش در بغداد، "ایده های مختلف" برای

سفارت آمریکا که در بغداد نگه داشته شده بودند اجازه یافتند از طریق ترکیه عراق را ترک کنند. دولت عراق هر کس را که به اتباع خارجی در عراق و کویت پناه دهد، تهدید به اعدام کرد. در یک بیانیه "شورای انقلاب" عراق که از رادیو بغداد خوانده شد، آمده است: "هر کس که یک شهروند خارجی را به قصد مخفی کردن او از مقامات پنهان کند، مرتکب جنایت جاسوسی می شود و به جرم این اقدام، به دار آویخته خواهد شد."

تنگ تر شدن حلقه محاصره به دور عراق

فرانسه نخستین واحدهای نیروی زمینی خود را به منطقه خلیج فارس فرستاد. ۱۶۲ نفر از یک واحد ترابز به عنوان مرئی به ابوظبی رفتند و قرار است شمار دیگری نیز به عربستان سعودی اعزام شوند. همچنین وزیر دفاع فرانسه اعلام کرد طی کویترهای ناوکمانسو که هم اکنون در جیبوتی در شرق آفریقا پهلو گرفته است، احتمالا در امارات متحده عربی مستقر خواهند شد. ناوکمانسو در این هفته هازم خلیج فارس می شود.

هنگام تهیه این گزارش، ۱۵ کشتی عراقی که در منطقه بحرانی خلیج فارس بودند، مورد مراقبت نیروی دریایی آمریکا قرار داشتند. روز یکشنبه ۲۶ اوت منابع پنتاگون وزارت دفاع ایالات متحده گفتند که این کشور امکان

اعطای پناهندگی سیاسی به ملوانان عراقی را در صورت متوقف کردن کشتی های آنان، بررسی می کند. به نوشته نیویورک تایمز، هدف از چنین اقدامی اجتناب از درگیری خدمه کشتی های عراقی و نیروهای آمریکایی است که می تواند به آغاز جنگ بیانجامد. سرویس های جاسوسی آمریکا می گویند دولت بغداد به خدمه کشتی های عراقی دستور اکید داده است که از دستور توقف ناوهای خارجی پیروی نکنند. این گزارش حاکی است در صورتی که خدمه کشتی های عراقی به نظامیان آمریکایی اجازه ورود به هر شه کشتی های خود را بدهند، در صورت بازگشت به عراق در معرض خطر اعدام قرار خواهند گرفت. بدنبال انتشار این گزارش ها، عراق اعلام کرد به خدمه کشتی های تجاری خود دستور داده است در برابر بازرسی محموله کشتی ها مقاومتی نشان ندهند.

سه کشتی جنگی اسپانیایی برای حمایت از اجرای محاصره اقتصادی عراق هازم خلیج فارس شدند. همچنین یک کشتی بارکش نظامی آمریکایی نیز جبل الطارق را به متصد خلیج فارس ترک کرد. این کشتی، حامل دههاتانک و سایر تجهیزات نظامی است.

آمریکا و متحدانش، دست به تمرکز بزرگترین نیروی هوایی در تاریخ علیه عراق زده اند. در میان هواپیماهای آمریکایی، چندین جنگنده - بمب افکن استیلت، که گفته می شود از دید رادار دشمن پنهان می مانند، و بمب افکن های استراتژیک هشت موثره ب - ۵۲ دیده می شوند. بمب افکن های مزبور، مخصوص "بمباران های سطحی" علیه تمرکز نفرات و تانک ها هستند. تا روز ۲۶ اوت، ایالات متحده و کشورهای متحد آن، ۷۰۰ هواپیمای جنگی در منطقه خلیج فارس مستقر کرده بودند. نیروی هوایی عراق، در حدود ۵۰۰ هواپیما دارد. هواپیماهای غربی می توانند تا همق خاک عراق پیش روند و به تاسیسات مخابراتی و پشتیبانی و نیز سایر اهداف استراتژیک حمله کنند. خلبانان عراقی از آنجا که نیروی هوایی ایران تقریبا در تمام طول جنگ ایران و عراق فعالیت چندانی نداشت، در نبرد هوایی کم تجربه یابی تجربه اند و در جنگ با ایران، همدا به نیروهای زمینی ایران و یا تاسیسات نفتی ایران در خلیج فارس حمله کرده اند.

برتری هوایی از این رو برای آمریکا اهمیت دارد که عراق بنا به



تخمین هایی تنها در کویت ۵۰ هزار نفر نیروی نظامی و هزار تانک مستقر کرده است. ۵۰۰ تانک دیگر نیز در داخل خاک عراق مستقرند. شمار نیروها آمریکایی تاکنون به بیش چهل هزار نفر بالغ شده است که خودروهای سبک استفاده می کنند. عربستان سعودی ۵۰ تانک دارد.

به نظر کارشناسان آمریکایی، این نیرو برای جلوگیری پیشروی عراق به داخل خاک عربستان کافی است زیرا آمریکا دارای موشک های ضد تانک هلی کوپترهای ضد تانک است. ارتش آمریکا برای یک حمله گسترده تنها زمانی نیروی کاذب را اختیار خواهد داشت: سلاح های سنگین آن به منطقه برسد. واحدهای تانک ارتش آمریکا به عربستان سعودی اعزام شده اند، اما احتمالا هفته ها به ت خواهد کشید تا آمریکایی ها به ت کافی قدرت آتش برای وارد کردن ضربه مرگبار به عراق عربستان گردآورند.

افزایش تلاشهای دیپلماتیک

هفته گذشته همدالمجید وزیر خارجه مصر سفری به مسکو با شواردناده همپای شوروی خود اوضاع خلیج فارس را مورد گفتگو قرار داد. همدالمجید همچنین با گارباچف رئیس جمهور شوروی دیدار نامهای از حسنی مبارک رئیس جمهور مصر تسلیم وی کرد. یاسر عرفات رهبر سازه آزادیبخش فلسطین (ساف) بغداد رفت وی در عراق پیشرفت کرد یک نیروی صلح عرب کویت مستقر شود. عرفات مذاکرات خود با مقامات عراق طرحی ارائه داد که به موجب آن باید انتخابات در کویت زیر این نیروی صلح که در مجموع ۱۰ شش ماه در کویت بماند، برگزار شود. طرح عرفات پیش می کند که کویت طبق الگو موناکو دارای یک سلطه مشروطه شود و برخی از حاکمیت خود را به عراق واگذارد. گفته می شود عرفات طرح مز را به اتفاق ملک حسین پاد اردن تهیه کرده است. ساف اشغال کویت توسط عراق و حضور نظامی کشورهای غربی خلیج فارس را محکوم می کند. دولت عراق از یوگسلاوی هم اکنون ریاست جنبش هدم ت را برعهده دارد خواست تا میانجی را در بحران خلیج فارس



وزیر اطلاعات:

کنترل، شناسایی و دستگیری هاتشید خواهد شد

بقیه از صفحه اول

در مصاحبه مطبوعاتی یاد شده، فلاحیان خبر دستگیری دو شبکه جاسوسی وابسته به آمریکا رانیز اعلام نمود. رئیس ساواک رژیم در این مورد، به جز اعلام اسامی دو تن از متهمین - به جزئیات موضوع اشارهای نکرد. اعلام این خبر در شرایط بحرانی روزهای اخیر و حضور گسترده نیروهای آمریکایی در منطقه، این قصد را که رژیم به شیوه ای غیر انسانی قصد مقابله

ایالات متحده را ترک کنند مابقی دیپلمات های عراقی اجازه ترک دایره ای به شعاع ۴۱ کیلومتر در پیرامون واشنگتن را نخواهند داشت.

متحدان آمریکا در پیوستن به این تصمیم ایالات متحده تعلل می کنند. اعضای بازار مشترک اروپا بر سر پیروی یا عدم پیروی از اقدام واشنگتن دچار اختلاف شده اند. شوروی اعلام کرده است که دست به اخراج دیپلمات های عراقی نخواهد زد. گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی گفت این کشور نمی خواهد باز هم بر تشنج اوضاع بیافزاید.

روز پنجشنبه هفته گذشته، خاویر پرنز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل در همان پایتخت اردن با طارق مزیز وزیر خارجه عراق دیدار و گفتگو کرد. پرنز دو کوئیار پیش از هزیمت به اردن برای ملاقات با طارق مزیز، نسبت به نتایج مذاکرات خود اظهار امیدواری نمود و افزود برای اوقابل تصویر نیست که "یک انسان خواجهان صلح نباشد". جرج بوش رئیس جمهور آمریکا ضمن استقبال از اقدام دبیر کل سازمان ملل، درباره نتایج آن ابراز تردید کرد. بوش امکان سازش با عراق را منتفی دانست و گفت موج فعالیت های دیپلماتیک نباید باعث این توهم شود که دلیلی برای امیدواری وجود دارد. رئیس جمهور آمریکا افزود نباید از شرایط تعیین شده توسط سازمان ملل برای لغو تحریم ها علیه عراق عقب نشینی کرد.

خبرگزاری رسمی اردن گزارش داد کشتی های جنگی آمریکایی در هفته گذشته عازم آبهای بندر اردنی عقبه در کرانه دریای سرخ شده و سه کشتی تجاری با مقصد عقبه را متوقف کرده اند. یک کشتی با پرچم فرانسه توسط نیروی دریایی آمریکا وادار به بازگشت شده است. خبرگزاری اردن می افزاید بندر عقبه که در گذشته بخش بزرگی از واردات عراق از طریق آن انجام می گرفت، اینک تقریباً فلج شده است.

حافظ اسد رئیس جمهور سوریه روز سه شنبه ۲۸ ژوئیه برای دیدار و گفتگو با حسنی مبارک رئیس جمهور مصر وارد قاهره شد. مصر اعضای اتحادیه عرب را به یک اجلاس فوق العاده در قاهره دعوت کرده است. قرار بود این اجلاس روز پنجشنبه در سطح وزرای خارجه برگزار شود. تا اواسط هفته گذشته، ۱۱ کشور از ۲۱ عضو اتحادیه عرب با شرکت در اجلاس قاهره موافقت کرده بودند. رادیو عراق به نقل از طارق مزیز وزیر خارجه عراق گفت اجلاس قاهره غیر قانونی است زیرا فراخوانده آن به تأیید همه اعضای اتحادیه عرب نرسیده است.

ایفا کند.

آمریکا بدون کند کردن آهنگ استقرار نیروهایش در خلیج فارس، از طریق علائم معینی نشان داده است که راه حل دیپلماتیک را به کلی منتفی نمی داند. پرنز سکو کرافت، مشاور امنیتی بوش برای خاویر پرنز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل در تلاش های میانجی گرانه اش آرزوی موفقیت کرد. همچنین جان کلی رئیس بخش خاور نزدیک در وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد یک مامور عالی رتبه آمریکایی به بغداد رفته است، و افزود: "او با عراقی ها گفتگو کرده و خود را برای ادامه گفتگوها آماده نگه داشته است."

عراق کویت را یک استان خود اعلام کرد

هفته گذشته عراق طی یک فرمان رئیس جمهور این کشور، کویت را از لحاظ تقسیمات اداری به دو بخش قسمت کرد. بخشی از کویت از این پس یک استان عراق نامیده خواهد شد، و منطقه دیگری از آن، به استان بصره ملحق می شود.

فرار شهروندان خارجی از عراق و کویت ابعاد گسترده ای به خود گرفته است. عراق که به اتباع کشورهای غربی اجازه خروج نمی دهد، شهروندان کشورهای اروپای شرقی و جهان سوم را آزاد گذاشته است که از عراق و کویت خارج شوند. تاکنون ده ها هزار کارگر مصری و شهروندان کشورهای آسیایی به اردن گریخته اند در اردن شمار این اتباع خارجی تاحدی افزایش یافته است که دولت اردن هفته گذشته اعلام کرد تا وقتی دولت های متبوع فراریان، انتقال آنها به کشورهایشان را تضمین نکنند، دیگر نخواهد گذاشت کسی از مرز اردن و عراق وارد اردن شود. تا اواسط هفته گذشته رقم اتباع خارجی وارد شده به پایتخت اردن به ۴۵ هزار تن رسیده بود. در یک شهرک مرزی اردن حدود ۲۱ هزار کارگر اهل فیلیپین، هند، بنگلادش، سری لانکا و مصر منتظر صدور اجازه ادامه سفر خود به داخل خاک اردن اند. از روز هفتم اوت تاکنون ۲۵۰ هزار شهروند خارجی از عراق و کویت وارد اردن شده اند، و مقامات اردنی برآورد می کنند که این تعداد به یک میلیون نفر افزایش یابد.

یک گروه از کارگران نفت اهل فیلیپین که از کویت گریخته اند، می گویند اینک در کویت سربازان عراقی در جستجوی شهروندان خارجی و آندسته از کویتی ها هستند که دست مقاومت در برابر عراق زده اند. هر شب صدای شلیک گلوله به گوش می رسد و نظامیان عراقی برای تحرین، تیراندازی ضدهوایی می کنند. کامیون های عراقی پیوسته وارد شهر می شوند.

خاویر پرنز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل در گزارشی پیرامون اجرای قطعنامه محاصره اقتصادی کامل عراق خاطرنشان کرد که مجموعاً ۸۸ کشور نسبت به این قطعنامه واکنش نشان داده اند و از سایر کشورها خواسته خواهد شد پاسخ خود به این قطعنامه را تسلیم سازمان ملل کنند.

آمریکا ۳۶ دیپلمات عراقی را اخراج کرد

دولت آمریکا به ۳۶ تن از ۵۵ دیپلمات عراقی در واشنگتن دستور داد که ظرف سه روز خاک

افشاگری به شیوه جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه اول

شرعی میدهد که " برای هالی چون جناب محتشمی مطالبی مثل منوچ و فی فی جایز است " (به نقل از سخنرانی حائری زاده، کیهان ۳۱ مرداد).

نمونه این جنگ هادر روزنامه ها و بویژه در ستونهای مربوطه فراوانند. این ستونها یکی از وسایل مبارزه میان باندهای حکومتی هستند. مبارزه ای که از راههای مختلف صورت می گیرد و وسایل خاص خود دارد. مهره چینی، پرونده سازی، پاپوش دوزی و افشاگری از وسایل مهم این مبارزه است. این قواعد تنها در مورد دستجاتی صدق می کند که زورشان آتقدربه هم نمی چربد که هیچ حریف را بخوابانند. زمانی که یکی از رقبا آتقدرب ضعیف شد که خواباندن مچ اش از سوی دیگران ممکن گردید و یا ناسازگاری اش به جایی رسید که کل نظام را به خطر انداخت، آنگاه وسایل بازی هوض می شود. زندان، شکنجه و اعدام یعنی وسایل مرسوم در جمهوری اسلامی، جایگزین وسایل قبلی می شوند. مثل نمونه معدی هاشمی.

اما فعلا جناحهای حکومتی آتقدرب زور هستند که هیچ کدام نمی توانند پشت دیگری را به خاک ببالند و لاجرم به پرونده سازی و پاپوش دوزی و "مبارزه جلف" علیه هم بسنده می کنند. آنها فعلا مجبورند دندان روی جگر بگذارند و صبر کنند تاکی نوبت به چوبه اعدام و طناب دار برسد و قرعه بنام که بیفتد.

سرخورده احساس میکنند. ثالثاً: در صورتی که ایالات متحده در جنگ متقبل تلفات شدیدی شود و روحیه افکار عمومی این کشور به مانند جنگ ویتنام از اساس تغییر میکند. نشانه های چنین چرخشی اکنون نیز به چشم میخورد. طبق نظرخواهی شبکه تلویزیونی ABC هرچند ۷۵ درصد آمریکاییا ملرندار کویت با زور نظامی میباشند اما ۷۸ درصد مخالف آغاز حمله از سوی امریکانند.

گذشته از نکات فوق، گسترش تشنج در خلیج فارس از جنبه های مختلف اهمیت تعیین کننده ای برای آینده روابط بین المللی خواهد داشت. مسئله اینستکه آیا حق دست بالا را خواهد یافت یا قدرت. آیا هنوز هم طرف قدرتمندتر قادر است طرف ضعیفتر را به انقیاد در آورد. در این مورد در هفته های گذشته اتفاق تاکنون بی نظیری رخ داد: تا بحال جامعه بین المللی هرگز چنین مصمم و یکپارچه علیه تجاوز یک کشور به حقوق بین المللی واکنش نشان نداده است. این نمایانگر کیفیتی نوین در تشریک مساعی جهانست که از پایان مناقشه شرق و غرب ناشی میشود. سیستم امنیت جمعی و یک سری کامل از تدابیر حفظ صلح که چند دهه قبل در منشور صلح سازمان ملل ثبت شده، بر اثر تشر یک مساعی امریکای شوروی برای نخستین بار نیروی عمل کسب کرده است. بنا به همه شواهد موجود دورانی که مناقشات منطقه ای در میدان مخاصمه غرب و شرق بر می افروخت به گذشته تعلل دارد. اما همه اینها یک چاشنی کوچک دارد. آیا اگر مناقشه موجود در منطقه ای صورت نمیگرفت که چهار پنجم

بقیه در صفحه ۶

اسلامی و فرهنگ مبارزه سیاسی در رژیم جمهوری اسلامی رایاد گرفت.

یک نمونه، نمونه ای که طرفداران جناح محتشمی را سخت برآشفته ساخته است. حائری زاده نماینده مجلس و از وابستگان این جناح، این برآشفتنگی را در سخنرانی قبل از دستور خود چنین بیان می کند: "روزنامه رسالت مطالبی را به نام دو سوسول و دو جوان جلف تحت عنوان فی فی (دختر) و منوچ (پسر) بجای می رساند و این ذریه پیامبر (منظور جناب محتشمی است) را با تعابیر منوچ و فی فی به باد استهزا می گیرد و اهانت می کند." حائری زاده از سکوت مطبوعات و شخصیتها نسبت به این توهین وهتک حرمت انتقادی کند و به روزنامه رسالت هشدار می دهد که "نباید به هلمای دیگر توهین روا دارد و با متنعای نیش دار و جلف هلمای دیگر رامسخره کند." اما روزنامه رسالت که پشتش به کسانی چون خزعلی، آذری قمی، یزدی، راستی، کاشانی، وامثالهم از یکسو و بازاریان محترم از سوی دیگر گرم است، گوشش به این حرفها بدهکار نیست و هم چنان به استهزای شخصیت بزرگ اسلام در قالب "منوچ محتشمی" ادامه می دهد! کار اعتراض حریف که بالا می گیرد، خودایت الله آذری قمی شخصیت بزرگ دیگر اسلام پا پیش می گذارد و در روزنامه رسالت سرمقاله ای می نویسد و جواب

اولاً: روزنامه انگلیسی فیننشال تایمز مینویسد "اگر جنگ آغاز شود، قیمت نفت بسیار افزایش خواهد یافت و تولید شدیداً کاهش پیدا خواهد کرد. این وضعیت مشکلات فراوانی برای جرج بوش به همراه خواهد داشت."

ثانیاً: صدام حسین در افکار عمومی کشورهای عربی از محبوبیت بسیاری برخوردار شده است. بسیاری در او ناصر دومی می بینند که ملل منشعب عرب را دوباره متحد کند و از دست دشمنان صهیونیست و امپریالیست نجات دهد. صدام نیز زیرکانه از این روحیه استفاده میکند و اعلام جهاد داده و سوگند خورده است ثروت بی شرمانه و حاکمیت خانوادگی شیوخ عرب را بسود همه ملت عرب از بین بردارد. کمتر کسی از میان مردم عرب با کلانهای خانوادگی شیوخ عرب، که با حقوق بشر و حرمت انسانی نیز سرو کار زیادی ندارند، احساس همدردی میکند. از این گذشته مرزهای موجود در منطقه عربی چندان مقبولیتی ندارند. این مرزها توسط قدرتهای استعماری اروپایی بروفق منافع این قدرتها همدتا مصنوما ایجاد شده اند. باتوجه به محبوبیت صدام جای تعجب نیست که اغلب رهبران کشورهای عربی فقط با تردید به مقابله با او پرداخته اند. فراخوان او به قیام علیه این رهبران می تواند بسرعت در برخی از این کشورها به واقعیت تبدیل شود. به این ترتیب مناقشه خلیج قادر است ابعاد نوینی به خود گیرد و به نخستین مناقشه آشکار میان شمال و جنوب بدل شود زیرا انتقارهاب از اسرائیل و آمریکا ریشه های همیق دارد و مردم بر اثر یوغ استعماری و شکستهای نظامی خود را

هم وطنانی را که قصد خروج از کشور را دارند نیز، تشدید خواهد کرد.

خلاصه حرفهای وزیر ساواک رژیم این است که از مبارزین سیاسی گرفته تا کسانی که قصد مسافرت به خارج از کشور را دارند، هیچ کس از دست وزارت اطلاعات و شبکه وسیع سرکوب آن در امان نیست. روند اختناق در کشور ما برخلاف همه دنیا هم چنان رو به تحکیم است، تا جایی که حتی نماینده مجلس، ابو الحسن حائری زاده نیز به نفع آمده است که "آدم راخته می کنند اگر حرفی بزند" و هیچ حادثه ای، حتی پایان جنگ و برقراری صلح نمی تواند این روند را دچار اختلال کند. اختناق و سرکوب همزاد این رژیم مستبد است.

کمک ها به کجای رود؟

بقیه از صفحه اول

موضوع به حد کافی گویا است. کمک های مردم را می گیرند، در جیب های گشادشان می ریزند، به حساب های بانکی اشان در خارج از کشور می فرستند، خرج گسترش نهادهای سرکوب، زندگی های شاهانه و تجملی، معاملات پنهانی اسلحه، تبلیغات دروغ و سایر اموری که به هیچ درد مردم نمی خورد می کنند و مشروران را برای بازماندگان قاجعه اشک تمساح می ریزند. اما مردم همچنان آواره و بی سرپناه هستند و در چادرها زندگی می کنند، بحرانی شدن منطقه، برقراری صلح بین ایران و عراق و بازگشت اسرا به کشور فرصت طلایی ایی برای سردمداران حکومت پدید آورده است تا در پی هیاهوهای گوشخراش تبلیغاتی نه تنها وظایفی را که نسبت به زلزله زدگان دارند، یکسره به دست فراموشی بسپارند، بلکه در پس این هیاهوها با دستی بازتر به غارت بخش هنگفتی از کمک های مردمی ادامه دهند.

از جنگ سرد به جنگ گرم؟

مزدک

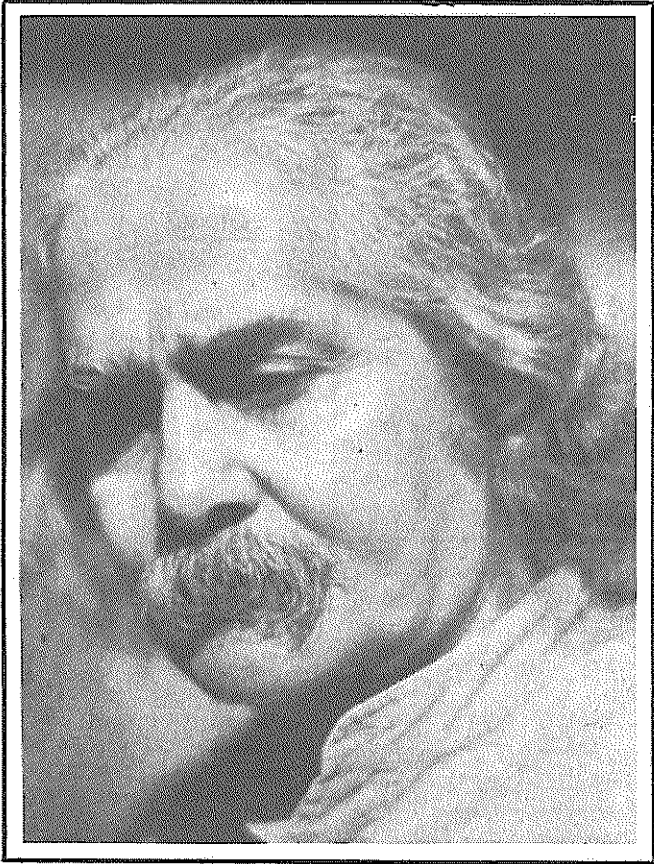
انتظار سیده باشد. البته برای حفظ منافع نفتی آمریکا اشغال نظامی عربستان سعودی و محاصره اقتصادی عراق کفایت میکند. اما اهداف امریکا فراتر از این است. ایالات متحده با محوریت نقش رهبر بلامنازع جهان می بیند. هجوم عراق به کویت نخستین ندایست که این ابرقدرت را در موضع جدید خود زیر سوال برده است. ایالات متحده از آنجایی که مسئله بر سر قواعد بازی در جهان آتی نیز میچرخد، مایل نیست به مطالبات جامعه بین المللی در این مورد بسنده کند. آمریکا علاوه بر برقراری وضعیت سابق در کویت در جهت تسلیم بلا قید و شرط بغداد، برکناری صدام حسین، نابودی نیروهای نظامی و همه منابع تسلیحاتی او تلاش میکند. به این ترتیب عراق، بعنوان یک قدرت نظامی لااقل برای سالها حذف خواهد شد، نقش رهبری آمریکا در منطقه تقویت خواهد شد و سایر حریفان احتمالی در همه جهان خنثی خواهند شد. البته انجام این اهداف نظامی خالی از خطر نیست.

جویی دارد را تقویت می کند. اکنون باید منتظر خبر اهدامهای تازه ای که احکام آنان در بیدادگاههای شرع صادر می شود، بود. این بار امپراتورهای رژیم گسترده است. فلاحیان قصد رژیم مبنی بر "شناسایی و کنترل عوامل دشمن" قبل از فعال شدن رامورد تاکید قرار داد. وی این عوامل را چنین معرفی کرد: "افرادی که خواهان اخذ ویزا از سفارتخانه های خارجی و یا گرین کارت (کارت سبز) از آمریکا هستند و یا اتانیکه می خواهند برای ملاقات بستگانشان به آمریکا سفر کنند" فلاحیان این افراد را "بهترین افراد برای سرمایه گذاری شبکه های جاسوسی" خواند! بدین ترتیب از این پس عوامل وزارت اطلاعات شناسایی و کنترل

وآمدهای بسیاری از سوی مسئولان صورت گرفته ولی تا به حال کار عملی انجام نگرفته است. وی افزود: مردم همچنان آواره هستند و در چادرها زندگی می کنند. هنوز مدارس همچنان تحت اشغال زلزله زدگان است در حالیکه می رویم تا به امتحانات شهریور ماه نزدیک شویم و مدارس باز شود. البته تلاش هایی صورت گرفته و جای تشکر دارد ولی با توجه به همق حادثه این تلاش ها نتیجه ای تا به حال نماند مردم نکرده است. بخصوص از بابت اسکان زلزله زدگان در رشت. حدود ۲۵ هزار واحد مسکونی تخریب شده داریم که تا بحال متولی مشخصی پیدا نکرده است که مثلاً بگویند بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفان یا وزارت مسکن و شهرسازی، فرمانداری یا یک نهاد مشخص مسئول رسیدگی به این مسئله است و می خواهد جوابگوی مردم باشد."

مسئله کمتر بر سر آنستکه طوفان در خواهد گرفت یا نه بلکه سوال اینستکه کی. مفسران سیاسی در آمریکا متفق القول اند که گسیل وسیع سربازان و ابزار جنگی به خلیج فارس برای ارضای خود صورت نگرفته است. آنها میگویند: همینکه تدارکات جنگی به انجام رسید "بدر خلیج" آغاز خواهد شد. بنابر ارزیابی تحلیلگران این مرحله در اواخر سپتامبر فرا خواهد رسید.

زیگنیف برژنیفسکی که در دوره کارتر مشاور نظامی او بود هدف استراتژیک آمریکا در خلیج فارس را چنین عنوان کرد: "منافع واقعا حیاتی آمریکا در بحران کویت تضمین اینستکه خلیج برای کشورهای صنعتی غرب یک منبع نفت قطعا مطمئن و ثابت با قیمت های قابل پذیرش باقی بماند." مسئله ایالات متحده آمریکا فقط نیاز کنونی به نفت خلیج نیست زیرا آمریکامیتواند از منابع خود و آمریکای جنوبی نیازهای خود را رفع کند. طرح استراتژیک ایالات متحده آنست که این منابع را برای دورانی حفظ کند که نفت منطقه خلیج فارس به



دوم گاهی نویسندگان یا شاعران همانگونه می‌نویسند یا می‌نویسند که می‌گویند، یعنی من خلاق آنها همان من عام هرروزه‌ام است، مثلاً آل احمد همانگونه می‌نویسند که می‌گویند، اما گروهی نیز هستند که در لحظات عادی آدمی متعارف‌اند، چنان که گاه آدم باور نمی‌کند کسی با این مایه سواد و شعور خالق فلان اثر است. اخوان مسلماً" ار گروه نخستین است، همانگونه می‌نویسند که می‌گویند. با مقایسه" مقدمه و مؤخره‌های او و بدعتها و بدایع سیمایوش و عطا و لقای سیمایوش با گفتارهای تلویزیونی‌اش می‌توان حکم کرد که اخوان به روال قصه در قصه، با حرف در حرف سختی را می‌گوید، گاهی این حاشیه در حاشیه رفس‌ها درخود ساخت زبانی نثر یا شعر نیز دیده می‌خورد. از بسیاری مثلها می‌توان این چند سطر را آورد:

و باری، بدینگونه بود که بیشتر شناختن تو مرد، تو مردم، دیدم که دارم - مثل این که خودم را هم بیشتر می‌شناسم و یک‌طور دیگر؛ طوری که شاید خیلی هم برایم آشنا و آسان نبود.

چند یادداشت بر "برگریده" شعرها

یا همانجا:

و شب خسته بود، خسته شده بود. یحتمل گاهگاه رنگ‌پریده و ملول می‌نمود. شاید خوابش می‌آمد. شاید می‌خواست برود، و این را که قبلاً کمابیش احساس کرده بودم...

که زبانی است پراز قید و مترادف و تکرار، که گاه نشان‌دهنده" رندی و نازک‌بینی است، و زمانی، البته، محملی است برای کش‌دادن نقل. اما اگر آن ذهنیت و این زبان برنخ نقل قصه‌ای قرار گیرند، بخصوص که فضای قصه پراز شک باشد و یا وهم ذهن مهار می‌شود و زبان کاربرد بجایی پیدا می‌کند، به همین جهت است که قصه در منظومه‌های داستانی اخوان رکن اساسی است. گرچه در پسندمافلر و قصه را به داستان‌نویسان باید وا گذاشت، یا بهتر در سالهایی که اخوان بهترین شعرهایش را می‌سرود، پسند غالب همین بود، تا آنجا که خود شاعر هم این اصل را دیگر پذیرفته بود و مثلاً "زندگی می‌گوید اما..." رانثر "منظوم" می‌نامید تا گریبانش را از دست نکته - گیران احتمالی نجات دهد، اما گفتنی است که بدون تشبیه نقل قصه مسلماً" ادب معاصر از چند شعر ماندگارتر بی‌نیص می‌ماند. افزون بر اینهمه باید دید که شاعر داستانرا با چه ذهنیتی با قصه" شعرش روبرو شده است. اگر نقل قصه به روال قدما باشد، مثلاً" با سعیت از سرب زمایی، خلق شخصه‌های بی‌زمان و مکان و غیره، مسلماً" کاری در خور عنایت نخواهد بود. اخوان بدون شک - اگر شهادت صاحب این قلم ماط اعصار باشد - از ذهنیتی مدرن در داستان‌نویسی برخوردار است.

مختصه" دیگر منظومه‌های اخوان، و ایضا منظومه" زندگی می‌گوید اما..." رمزی بودن آنهاست، یا در حقیقت بیشتر شعرهای داستانی او دارای دو لایه" ظاهری و باطنی‌اند. می‌دانیم که در شعرهای رمزی معمول این است، و باهام همین است، که شاعر تنها به عرضه" لایه" ظاهری بسنده کند و تعبیر و تفسیر لایه" باطنی را بر عهده" خواننده بگذارد تا او به کمک اشارات و نشانه‌ها به معنای مورد نظر شاعر یا معنایی دیگر دست یابد. اما اخوان گاه به جای لایه" ظاهر لایه" باطنی را هم عرضه می‌کند؛ گاه نیز هر دو لایه را در کنار هم می‌آورد؛ گاهی نیز هر دو را باهم در می‌آمیزد.

یکی دیگر از شروط توفیق یک شعر رمزی همخوان بودن عناصر لایه" ظاهری باهم است، مثلاً" اگر مکان داستان در لایه" ظاهری زبدانی واقعی باشد، زندانیان این مکان باید آدمه‌های واقعی و ملموس باشند. رابطه" میان این آدمه‌ها و آن مکان و زمان داستان نیز باید رابطه‌ای واقعی، علی باشد. برعکس اگر عناصر لایه" ظاهری نامحتمل باشند، مثلاً" وقایع یک خواب، منطق حاکم بر رابطه" این عناصر نیز باید نامتعارف شوند. دخالت دادن تفسیر این وقایع - لایه" باطنی - در سطح ظاهری شعر سبب می‌شود تا عناصر موجود در این سطح در رابطه‌های آنها به استناد وقایع سطح دیگر توجیه شود.

در این صورت شعر به جای شمول، محدود به حدود سیاسی یک دوره خواهد شد. بیشتر شعرهای رمزی ادبیات معاصر ایران - که اغلب به غلط سمبلیک خوانده شده‌اند - گرفتار این ضایعه‌اند. در حالیکه شعر وقتی سمبلیک قلمداد می‌شود که به لایه" باطنی تنها از خلال لایه" ظاهری و در سطح ظاهر به حود وقایع و آدمه‌ها و مکان و غیره از منظرهای متفاوت نگریسته شود تا معنای باطنی از چشم بگردند، واحد و در یک زمان مشخص متعدد گردد.

با خاموشی اندوهار مجددی اخوان ثالث، بی‌شک شعر امروز ایران یکی از سخن پردازان بزرگ و راهبان اصلیش را از دست داده است. اصالت و حقانیت شیوه" بیان نیمایی، علاوه بر خلاقیت‌های نوین نیما، مرمون آفرینش‌های شاعرانه و تحلیل‌های مبتکرانه" راهبان راستین اوست. که در آن میان مجددی اخوان ثالث، که مر دمر دستان این راه است، چمره‌یی در خشان دارد.

در خشننگی این سیمای تابناک، تنها به لحاظ آفرینش شعرهای زمزمه گر و ماندگار او نیست، هر چند کانون بیشترین پرتوافشانی این چهره" صمیمی شعر معاصر در این جا است.

بخش دیگر این در خشننگی، در توضیح ضرورت شیوه" بیان نیمایی و تشریح دشواری‌های قانونمندان راه است. نقد شعر به شیوه‌های علمی در کل و خاصه بررسی شعر امروز، زمان درازی نیست که در جامعه" هنری مارا یافته است و با همه" کوشش‌های درازدامن و ارجمندی که در این راستا صورت گرفته، به جرائت می‌توان گفت که در این زمینه - که خود هر صده‌یی راهگشاست - هنوز مادر آغاز را همیم.

هر چند اخوان، آل احمد، شاملو، پاشایی، حقوقی و... خود سال‌ها گامسپار این گستره" شفاف بوده‌اند و در بازگشایی دقایق و ظرایف بیان امروزین شعر، سهمی سزوار احترام دارند، اما هنوز این هر صره را به لحاظ گستر دگی دامنه" خلاقیتش بکر و دست نخورده می‌یابیم. از این رو شعرهای بزرگانی چون اخوان و شاملو و... هنوز که هنوز است، نقد و بررسی‌های موشکافانه‌یی را طلب می‌کنند.

تاکنون در باره" ارزش‌های ادبی و زیباشناسانه و زمینه‌های روانکاوانه" شعرهای م، امید - چنانکه خود می‌گوید - بیش از هزار صفحه در ایران و بیرون از آن نوشته آمده است که بی‌شک پس از این بررسی‌هایی از این دست به مثابه یکی از کارهای جدی تحقیق در شعر امروز ادامه خواهد یافت.

در زیر با چاپ برگرفته" مقاله‌یی از هوشنگ گلشیری - داستان پرداز برجسته - که در زمینه" نقد شعر فارسی (قدیم و جدید) نیز دستی توانمند دار دیار دیگر یاد و یادگارهای م، امید - این عزیز بزرگوار و کاروانسالار شعر امروز - را راج می‌نهم.

رندی از تبار خیام

هوشنگ گلشیری

مهدی اخوان ثالث، م، امید، بی‌شک رندی است از تبار خیام، با زبانی بیش و کم میانه" شعر نیما و شعر کلاسیک فارسی، تعلق خاطر او را به ادب کهن هم در التزام به وزن عروضی و قافیه بندی، ترجیع و تکرار می‌توان دید و هم در تبعیت از همان صنایع لفظی قدما مانند مراعات النظیر و جناس و غیره. مهمتر این که شکل بیشتر اشعار او متکی بر نقل یک قصه است و گاه حتی از ساخت قصه در قصه" مالوف در ادب شرق سود می‌برد. شکل شعرهای غیر داستانی او بیشتر وصف یک واقعه است از منظرهای گوناگون که در شعر کهن غیر روایی ما بسیار متداول بوده است (۱). اسلوب بیانی مورد علاقه" او بیشتر رمز است که باز ادامه". همان اسلوب بیشتر رایج در اغلب آثار عرفانی ماست، اما او این بار به جای اشعار رمزی عرفانی، به خلق آثاری رمزی - سیاسی یا اجتماعی دست می‌زند. گاه به دلایلی که خواهد آمد بعضی از آثار او را می‌توان سمبلیک خواند، پس شاعری سمبلیست نیز هست که این مختصه ادامه" سنتی است که پایه گذار اصلی آن در شعر سرزمین ما نیما بود.

آبشخور بینش او از همان سرچشمه‌ای است که نیما از ۱۳۱۶ یا ۱۳۱۷ به بعد بدان دست یافت، که اصطلاحاً" "مترقی" خوانده می‌شد، و اصول آن را اخوان گاه به صراحتی بیشتر از نیما اعلام داشته است. این پیش بیشتر سیاسی و کمتر فلسفی وقتی اخوان به شعر نو روی آورد مصادف با شکست سیاسی ۱۳۳۲ شد. بازتاب این شکست در شعرهای اخوان ("زمستان"، چاپ اول، ۱۳۳۵) ابتدا به پاس شخصی کشید؛ گسستن از یاران نیمه راه، دشنام باران کردن هر چیز و هر کس، آنگاه به پاس از این آب و خاک و به قول خودش این باغ: همان ره توشه برداشتن‌ها و نفرین کردن به گیاه - آدمه‌هایی که ریشه‌هاشان در خاکهای هرزگی مستور بود، سرانجام نیز به پاس فلسفی انجامید: قطع امید کردن از هرگونه تغییر. اما در همه" این مراحل، حداقل به گواه اغلب مقدمه‌ها و مؤخره‌ها آن چهره" عام و کلی "مردم" مخاطب او ماند. باز به استناد شعرها و نیز مقدمه‌ها و مؤخره‌هایش اغلب پنجه در پنجه" قدرت زمانه می‌افکند. از سوی دیگر در مقایسه با اغلب کسانی که از آن پیش اجتماعی و سیاسی و البته کمتر فلسفی متأثر بودند، اخوان حداقل سه مختصه نیز داشت که او را از معاصران و حتی از نیما متمایز می‌کرد. اول این که شعر او در اصله" ۳۲ تا ۴۰ (سال سرودن کنیه که می‌توان آن را بتقریب پایان پیش قبلی و شروع پیش جدید خواند.) و حتی تا همین سالهای اخیر شاهد زمانه بوده است: یعنی برغم آن امیدهای هم دروغین و هم کلیشه‌ای که در آثار اغلب شاعران سیاسی موج می‌زد، اخوان بر آنچه بود شهادت می‌داد. دوم رندی اوست که عامترین مختصه" اوست و دوره" نو آستانی او را نیز در بر می‌گیرد. این رندی، که گفتیم میراث خیام است و گاه حافظ سبب شده است تا اعتقادات مرحله‌ای خود را چندان هم بعد نگیرد، و حتی خود را به سخره بگیرد، که این خود از مختصات رندانست.

در مقابله با قدرت زمانه و نظامهای فکری رایج یا مسلط بظاهر پدرش و نرمش است، اما چون قدر قدرت زمانه سراز خواب خوش خیالات بردارد - مثلاً" با "مرد و مرکب" - خود را رسوائی خاص و عام می‌بیند. با آن نظامها نیز اگر کار با نقیه بر نیاید، بخصوص که دل ای دل خواننده‌های شاعران را سخت جدی می‌گیرد، به دستاویز جنون شاید امید رهایی باشد، با اینهمه البته در هر دو عرصه متنوع القلم شدن است و به بند گرفتار آمدن و بیکاری و فقر، و حتی ممکن است که به نشستن بر اسب جویی بینجامد. یکی دو زندان اخوان در آغاز کار شاعری از حدود ۳۲ به بعد، و یکی هم در اواسط دهه" چهل - گرچه دستاویزی هم بود - از تبعات همین دل ای دل خواننده بود.

سومین مختصه" اخوان تعلق او به ایران است و نفرت او از هر چه به اصطلاح انیرانی است، آنهم برخلاف رسم زمانه - بازگشت به سنت اسلامی شریعتی و آل احمد از یک سو و فرنگی مایی از سوی دیگر، که شاید همان سنتی است که از ادبای خراسان چون سید محمود فرخ به ارث به او رسیده بود.

حاصل آن تعلق به عام مردم و درگیری با قدرتهای زمانه، چه قدرتهای بیگانه و چه کوچک ابدال آنها در این ملک و تعلق به ایران و نیز آن مایه از رندی که در او هست و حتماً" احوالات شخص، مثلاً" به قول خودش نیاز به ایامان و دستگاهی فکری که در آن بتواند دم بزند. شاعر را واداشت پس از آن پاس فلسفی که مثلاً" در "کنیه" به اوچ رسیده بود، برای خود سرپناهی شاعرانه دست و پا کند، که همان آئین مزدستی بود، ترکیبی از زردشت مزدک (و نیز مانی و بودا).

در این دستگاه فکری به قول خود شاعر اجتماعیات از مزدک و اساطیر از زردشت به وام گرفته شده است، مثلاً"، و به حسب ظاهر، به این باور رسید که جهان به مثل خیمه‌ای است و مردمان همه بر سر این سفره" جهانی نشسته‌اند، پس باید به تساوی از این نعمات در خورد و خوراک

و پوشاک و غیره سود ببرند. گرچه اخوان در خطبه" مؤخره" از این اوستا" اغلب یادداشتها و نوشته‌های پس از آن به نبایش اورمزد و امشاسپندان قلم فرسوده است، و به رسم همه" جوانان قوم، که ابتدا خانواده را به آئین خود می‌خواندند. حداقل نام پیامبران این کیش را بر فرزندان نهاده... اما آیا برآستی می‌توان اینهمه را بجد گرفت، بخصوص که تکیه زیاد در هر جا و به تفصیل اندکی مطایبه آمیز می‌نماید، یا حداقل نشانه" آن است که به ساقفه" همان رندی اخوان نیز می‌خواهد چیزی را پنهان کند؟

گفتیم که اخوان همیشه عام مردم را پیش چشم دارد، گو که برای رسیدن به آنان دیگر از "مردمی" موجود در همان خود سود می‌جوید، و نیز می‌دانیم مساوات طلبی آغازین همچنان در او هست، یعنی شاید برای عرضه" این آرمان اغلب ممنوع است که که کیش مزدستی را عرضه می‌کند تا فارغ از اتهام بیگانه پرستی حرفش را بزند.

در مجموع گرچه رندی اخوان مانع جدی است تا به چهارچوبهایی چنین مومن شود، آنهم بر ساخته" خویش، اما اعتقاد به خالق بر تر و پاک و راستین، که البته به هر نامیش می‌توان خواند، مسلم است. همه" آن طفره رفتنها و مثلاً" از اورمزد گفتن‌ها برای پنهان کردن و در ضمن اعلام پنهان همین اعتقاد است. با اینهمه گاه اخوان، بیشتر در شفاهیات، این پیامبری شاعرانه، چاووشی خوانی برای کیشی یکسره ایرانی را به سخره می‌گیرد، مثلاً" می‌گفت، در آن واقعه" مولمه" ز. ق. کسی گویا شبیه" سلمکی" منظومه" زندگی می‌گوید اما... "پخه" جنابش را می‌چسبد که آخر شما با این عبا و این هیات... بله موی بلند و سیلت و لحن و حالی که شاید به صوفیان می‌زده است، چرا در مجالس ذکر ما حضور پیدا نمی‌کنید؟

خوب، سائل این سوال‌ها معلقوم است چه جوابی شنیداست، آنهم وقتی اخوان از پنج کلمه" یک جمله دوتای اول نیم جویده میان لب ناقل و گوش آن مؤمن معلق، یعنی مثلاً" ناشنیده می‌ماند، و سه تایی آخری را رخصت نمی‌دهد تا حتی از لب و دندان برآید.

سائل فکر می‌کند شنیده است که این بابا شاید مسیحی است. خوب، در منقبت عیسی فصلی می‌گوید. باز چیزی می‌شوند، که البته فکر کرده است که شنیده. ناچار در منقبت موسی می‌گوید و بعد هم در منقبت کی؟ بله، اخوان می‌گوید، درمانده بود کیست آنهم، با این تسبیح و این موی افشان و این همیشه در گفتار و رفتار. بالاخره می‌پرسد: خوب، شما، بالاخره...

چیزی گفته است که از ادیان آسمانی بالاخره به کدام مؤمن‌اید؟ اخوان گویا این بار برخلاف رسم معمولش به روشنی تمام می‌گوید: من پیغمبری هستم که بر خود مبعوت شده‌ام، پس جز خودم پیروی ندارم.

این آئین، حالا دیگر می‌شود حد کتب، نظامی شاعرانه است، محملی برای انکار نظامهای فکری مسجندت فرکان و هر چه انیرانی است و نامیدی تراجه شاعر را به آثار این خاک وصل می‌کند، سامانه" اوست که کجایی است؛ این چهارچوبی که خود ساخته است و داراست نعرش خود در "زندگی می‌گوید اما باید زیست..." البته با صرف نظر کردن از چند فصل بابایی که خواهیم گفت چرا رانند با بیراهه‌اند - حاصل می‌دهد.

بررسی این منظومه به سطر ما به همین دلایل که گذشت ضروری است. از میان این دلایل بر دو نکته بیشتر بکیه خواهیم کرد:

اول این که بیشتر منظومه‌های معاصر منظومه‌های داستانی است، از "افسانه" و "مالی" نیما گرفته تا "بریا" و "دختران نه در یابی" شاملو و بیشتر آثار خود اخوان تا تجربه‌های سیرار او بخصوص آثار اخیر و اغلب چاپ سنده" شاملو. طرح این بحث حداقل روش خواهد کرد که شعر معاصر، آنهم در عرصه" منظومه‌های داستانی در مقابل با منظومه‌های غیر داستانی چون "ایمان یاوریم..." فرخنده و "سفر" سپهری در کجا و چگونه به توفیق دست یافته‌است، یا می‌تواند دست یابد.

دوم این که اغلب شاعران ما فاقد پیش خاص و متمایزند. پس با این بررسی می‌توان دید که کاربرد یک پیش خاص تا چه حد می‌تواند به انتظام یک منظومه مدد برساند، و دست آخر چرا در صورت عدول از آن پیش منظومه با شکست روبرو خواهد شد. می‌توان با تکیه بر برداشتهای لحظه‌ای و تبعیت از پسند عام یا پیشهای مرسوم اشعاری خلق کرد، ولی به گمان ما خلق یک منظومه - البته با فرض وجود همه" مختصات شعری - بدون انگا" به یک پیش منظم امکان پذیر نیست.

از اینجا گذشته به نظر ما، توفیق اخوان، بیشتر در شعرهایی است که به نقل داستانی کامل یا شرح یک حادثه می‌پردازد. اولاً" اخوان واقفا" داستان‌گوی با قدرتی است. اغلب کسانی که ما او جزو نثری دانسته‌اند از قدرت او در نقل یک قصه، بخصوص واقعه‌ای طنز آمیز، به تگفتنی دچار شده‌اند. شاهد مکتوب این قدرت، صرف نظر از شعرهای او، همان قصه" وفور ضایعات و تلفات شاعری در مؤخره" " از این اوستا" است (جانب ششم، صفحه ۱۳۲ به عدد).

هنر و زیبایی

بخش دوم

ف آذر منش

در شکل قدیمی و چه در شکل نوین آن، باز می ماند. (۲) "هنر زاده فریزه جنسی است و هنر گاه وسیله بقای نوع انسان است... به همین جهت انسان نیز مانند حیوانات خود و محیط خود را می آراید" (یعنی به تولید آثار هنری می پردازد - توضیح از نویسنده). اندیشمندی نظیر فرید و داروین صاحب این نظر بودند.

برای تحقیق حول نظر فوق، باید طبیعت مورد اتکای دسته فوق را جستجو کرد. اولاً زیبایی برای جانوران مطرح نیست و جلوه ظاهری باعث جلب آنها نمی شود. پروبال - پرنندگان هنر بشمار نمی رود. هر چقدر هم زیبا باشند، همینطور اشیاء دیگر دارای - انتظام در طبیعت هنر بحساب نمی آیند. علاوه در صورت قبول تعریف فوق، باید بر این باور بود که آرایش و هنرهای تزئینی بایستی مقدم و ارجح بر هنرهای دیگر باشند ولی اینطور نیست. بعدها داروین تاحدی به تناقض موجود در تعریف خویش پی برد و اصرار کرد که در جوامع نسبتاً پیشرفته نمی توان تجلیات هنری را با فریزه و فطرت انسانی توضیح داد. ولی همانطور که اشاره شد، این تعریف برای جوامع ابتدایی نیز مناسب نیست زیرا مطالعه طرح های دور افتاده در فارها و هنرهای باقی از انسان های نخستین نشان می دهد که هدف هنر آنان تزئین، خوندنایی نیست و هنر محصول فریزه جنسی نیز نمی تواند بحساب آید.

(۳) "هنر محصول فریزه تزئینی است و انسان پای بند اشکال و الوان است و بدون هیچ چشمداشتی از زیبایی لذت می برد."

اگر قبول داشته باشیم که فعالیت های فریزی اضمال مفید و لازمی است که بر اثر هزاران سال تکرار، جزو خصوصیات ارگانیسم گردیده و به ارث رسیده است، آنگاه باید بگوئیم که وجود غریز برای بقا "نوع" ضروری است. پس "فریزه ای" از نوع بقیه در صفحه ۷

در شماره گذشته نشریه بخش نخست مقاله که عناوین هنر و زیبایی - منش اجتماعی هنر، تکامل هنر را شامل می شد، به چاپ رسید، در این شماره بخش دیگری از مقاله درج می شود.

همانطور که اشاره آن رفت، تنوع هنر به موازات تنوع اصناف و طبقات اجتماعی صورت می گرفت، ولی پیدایش هنری، چه در سبک و چه در فرم، همیشه با مقاومت، نفی یا رد روبرو گردیده است. در این کشاکش حریفان دست بدامان سرشناسان شده اند و از تعاریف و نظریات آنان برای رد "هنر نوین" سود جسته اند. از طرف دیگر، هنرمندان نوآوری نیز بوده اند که در نقطه مقابل "ایده نو" را بر محمل تعاریف و یا نظریات موجود و یا در حال تکوین به جامعه قبولانده اند. این ارتباط متقابل بین هنر و هنرشناسی باب گفتار درباره هنر و "چه بودن" آن را فرزان باز گذاشته است.

بررسی نظریات هنرشناسان "کهن" نشان می دهد که تعریف هنر از نظر آنان را کم و بیش می توان به چهار دسته تقسیم کرد:

(۱) "هنر آفرینی نوعی بازی است و بازی عملی فریزی است که ممکن است وسیله دفع نیروی زائده ارگانیسم و احساس خویش باشد". نظریات "شیلر"، "سپنسر"، "لانگ"، "کروس" و... از این زمره اند.

کافی است به تاریخ هنر و منش آن دقیق شویم تا ببینیم که انسان های هنرمند نخستین درگیر چنان حیات دشواری بودند که نیروی زایدی برایشان باقی نمی ماند، علاوه فعالیت های افراد جوامع ابتدایی (که به نظر متمدنان بازی می رسد!) برای حصول اهداف معینی صورت می گرفت و در اصل بازی یا تفنن بحساب می آمد. در جامعه امروزی نیز مشکل کسی را بتوان یافت که با تعریف فوق موافق باشد و نیازی به استدلال بیشتر حول این مسئله نیست. پس می بینیم که تعریف مذکور از توضیح هنر و فرآیند هنری، چه

آخر شاهنامه

ما ،
فاتحان قلعه های فخر تاریخیم ،
شاهدان شهرهای شوکت هر قرن .
ما ،
یادگار عصمت غمگین اعصاریم .

ما ،
راویان قصه های شادو شیرینیم .
قصه های آسمان پاک .
نورجاری ، آب .
سرد تاری ، خالک .
قصه های خوشترین پیغام .
از زلال جویبار روشن ایام .
قصه های بیشه انبوه ، پشش کوه ، پایش نهر .
قصه های دست گرم دوست در شب های سرد شهر .

ما ،
کاروان ساغرو چنگیم .
لویان چنگمان افسانه گوی زندگیمان ، زندگیمان شعروافسانه .
ساقیان مست مستانه .

هان ، کجاست ،
پایتخت قرن ؟
ما برای فتح می آییم ،
تا که هیچ تانش بگشاییم ...

این شکسته چنگ دلنگ محال اندیش ،
نغمه پرداز حریم خلوت پندار ،
جاودان پوشیده از اسرار ،
چه حکایت ها که دارد روز و شب باخویش !

ای پریشانگوی مسکین ! برده دیگر کن .
پور دستان جان ز جاه نابردار در نخواهد برد .
مرد ، مرد ، او مرد .

داستان پورفرخ زادرا سر کن .
آن که گویی ناله اش از فقر چاهی ژرف می آید .
نالده و موبد ،
موبد و گوید :

«آه، دیگر ما
فاتحان گوزپشت و پیررا مانیم .
بر به کشتی های موج بادبان از کف ،
دل به یاد بره های قرهی دردشت ایام تهی ، بسته ،
تیغ هامان زنگ خورد و کهنه و خسته ،
کوس هامان جاودان خاموش ،
تیرهامان بال بشکسته .

ما ،
فاتحان شهرهای رفته بریادیم .
باصدایی ناتوانتر ز آنکه بیرون آید از سینه ،
راویان قصه های رفته از یادیم .
کس به چیزی یا پیشیزی برنگیرد سکه هامان را .
گویی از شاهی ست بیگانه .
یا ز میری دودمانش منقرض گشته .
گاه که بیدار می خواهیم شد زین خواب جادویی ،
همچو خواب همگان غار ،
چشم می مالیم و می گوئیم : آنک ،
لیک بی مرگ است دقایق افسوس .

وای ، وای ، افسوس .

این شکسته چنگ بی قانون ،
رام چنگ چنگی شوریده رنگ پیر ،
گاه گویی خواب می بیند .
خویش را دربارگاه پرفروغ مهر ،
طرفه چشم انداز شادو شاهد زرتشت ،
با پرزادی چمان سرمست ،
در چمنزاران پاک و روشن مهتاب می بیند .
روشنی های دروغینی
- کاروان شعله های مرده در مزداب -
بر جبین قدسی محراب می بیند .
یاد ایام شکوه و فخر و عصمت را ،
می سراید شاد ،
قصه غمگین غربت را :

«هان ، کجاست
پایتخت این کج آیین قرن دیوانه ؟
باشبان روشنش چون روز ،

روزهای تنگ و تاراش ، چون شب اندر قمرافسانه .
با قلاع سهمگین سخت و ستوارش ،
یالئیمانه تبسم کردن دروازه هایش ، سرد و بیگانه .

«هان ، کجاست ؟
پایتخت این دژ آیین قرن پر آشوب ،

قرن شکله چهر ،
بر گذشته از مدار ماه ،
لیک بس دور از قرار مهر .
قرن خون آشام ،
قرن وحشتنا کتر پیغام ،

کاندران با فضله موهوم مرغ دور پروازی ،
چار رکن هفت اقلیم خدا را در زمانی بر می آشوبند .
هر چه هستی ، هر چه هستی ، هر چه بالایی ،
سخت می کوبند .
پاک می رویند .

هان ، کجاست ؟
پایتخت این بی آرم و بی آیین قرن .
کاندران ، بی گونه بی مهلت ،
هر شکوفه تازه رو باز پیچیده باداست .
همچنانکه حرمت پیران میوه خویش بخشیده ،
عرصه انکار و هنر و غدر و بیداد است .

پایتخت این چنین قرنی ،
کو ؟

بر کدامین بی نشان قلعه ست ،
در کدامین سو ؟

دیدبانان را بگو تا خواب نفریبد ،
بر چکاد پاسگاه خویش ، دل بیدار و سر هشیار ،
هیچشان جادویی اختر ،
هیچشان افسون شهر نقره مهتاب نفریبد .

بر به کشتی های خشم بادبان از خون ،
ما ، برای فتح سوی پایتخت قرن می آییم
تا که هیچستان نه توی فراخ این غبار آلود بینم را ،
با چکاچاک مهیب تیغ هامان ، تیز ،
غرش زهره دران کوس هامان ، سهم ،
پرش خارا شکاف تیرهامان ، تند ؛
تیک بگشاییم .

شیشه های عمر دیوان را
از طلسم قلعه پنهان ، ز چنگ پاسداران فسونگرشان ،
جلد بریادیم .

بر زمین کوبیم .
ورزمین - گهواره فرسوده آفاق -
دست نرم سیزه هایش را به پیش آرد ،
تا که سنگ از زمانه ناهان دارد ،
چهره اش را ژرف بشخاییم .

بالای یادگار و دربار
زبان و آواز و تابش آفتاب
پایان کلام و نظم و نثر
که از یاد و باران بیاید

نگره ی
بزرگداشت شاهناما
به انگیزه ی گذشت هزار سال از سایش آن

کلن، شنبه ۲۴ و یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۶۹
(۱۵ و ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۰)

KONGRESS
1000 Jahre persisches Nationalepos
FERDOWSI'S SHAHNAMEH
am 15.09/16.09.90

سخنرانان:
دکتر محمد شربابی
دکتر محمد خالقی مطلق
دکتر محمد میرسیاسی
دکتر محمد علی کریمی
دکتر محمد جواد خالقی
دکتر احسان مایه سطر

برگزارکننده:
بنیاد فرهنگی محمی
FONDATION CULTURELLE MAHVI

نشانی محل برگزاری:
Tagungsart:
SCHAHNAMEH KONGRESS am 15.09/16.09.90
Erziehungswissenschaftliche Fakultät der
Universität zu Köln
Grönewaldstr. 2
5000 KÖLN 41
Hörsaal 4

مهدی اخوان ثالث
(م - امید)

از جنگ سرد به جنگ گرم؟

بقیه از صفحه ۳

جبر آهنین بازار جهانی که موجب بدمی کلان کشورهای جهان سوم و مبادله ناعادلانه جهانیست بنابه آنچه کارشناس اقتصادی روزنامه دی تسایت میگوید، سالانه به انتقال ارزش بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار از جنوب به شمال منجر میشود. هدف والای یک جامعه همبسته جهانی نباید تحت شرایط شکاف روز افزون سطح زندگی میان شمال و جنوب به تاسیس یک پلیس بین المللی جوامع صنعتی تقلیل داده شود. اگر نظام ناعادلانه جهانی و انقیاد و استثمار مردم جهان سوم توسط کشورهای صنعتی پیشرفته همچنان ادامه یابد با یک نظم نوین اقتصادی در جهان جایگزین نشود، آنگاه جنگ سرد میان غرب و شرق که بدون خون ریزی پایان یافت اینبار با جنگی داغ میان شمال و جنوب که بی شک جنگی خونین خواهد بود جایگزین خواهد شد.

پلورالیزم سیاسی روی آب افتاد. این یک واقعیت تلخی است که برخی محافل بورژوازی ایران درکشان از دموکراسی و پلورالیزم واقع بینانه تر از بسیاری از نیروهای جنبش چپ است. خوب رفقای که توی برنامه ارائه شده شان (از جمله رفیق سهراب مبشری) یک بند جداگانه می آورند و پیشنهاد "اتحاد همه نیروهای چپ" با "هدف نهایی وحدت ایران" (اکثریت ۳۱) را می دهند آیا متوجه هستند که بسیاری از همین نیروهای چپ د یکتاتورهای خونریز آینده انداگر با همین درک فعلی شان به قدرت برسند؟ اگر چنین اتحادی تشکیل شود و ما هم اصول خودمان را زیر پا نگذاریم آنوقت باید آنرا جزو عجایب چندگانه ی دنیا بحساب آورد. متأسفانه ما با ظرفیت های متفاوت و گاه متضاد سرو کار داریم. علاوه بر این بسیاری از افراد نیروهای چپ با این همه تحول و زیرو رو شدن تئوریا و مناسبات سیاسی خودشان هم نمی دانند چی هستند و چه می خواهند. تنها چیزی که می دانند این است که چی نمی خواهند و آنهم گاه موارد بسیار کلی و نادقیق. خوب با این بلبشو معلوم نیست کی می خواهند شق القمر کنند و "جلوی پراکندگی چپ" را بگیرند. ما هنوز راه درازی در پیش داریم و باید بگذاریم تا جنبش چپ و تک تک سازمانها جا بیافتند. دوره ی اندیشمندی تازه شروع شده است. همه ی ما احتیاج به زمان و تجربه ی بیشتر داریم. بگذار اول به سرو وضع خودمان برسیم و خودمان را برای کنگره ای که انتظار معجزه هم نباید از ش داشته باشیم، آماده کنیم بعد می توانیم جزئیات بیشتری را به کمک رویدادها و تحولات آتی تجربیات و جاذباتنگی های بیشتر همگی نیروهای چپ به کنگره های آتی مان تحمیل کنیم. بندهایی پیشنهادی این چنینی در این موقعیت فعلی نیاز سازمان مار پاسخ نمی دهد. ما انکار هنوز نمی دانیم با چه کنگره ای سرو کار داریم و چه باید از ش بخوایم اگر بخوایم معضلات مان همگی در کنگره رفع و رجوع شوند بر خطا رفته ایم و نتایج کنگره تو ذوقمان خواهد زد. باید از کنگره به اندازه ی توان و موقعیتش چپ خواست.

(توضیح: مقاله فوق قبل از برگزاری کنگره برای نشر در سال شده است)

ذخایر نفتی در آن انباشته اند و به همین دلیل نقش کلیدی برای عملکرد اقتصاد غرب دارد، و انکشاف بین المللی به همین شدت میبود. و انکشاف بی رمق جامعه بین المللی نسبت به حمله عراق به ایران، جنگ مرگ آفرین این رژیم علیه کردها، اشغال مناطق عربی توسط اسرائیل و حمله آمریکا به پاناما که همان اندازه تجاوز به حقوق بین المللی محسوب میشوند به این سوال پاسخ منفی میدهد. اینرا نیز نباید فراموش کرد که همین جوامع صنعتی بودند که بخاطر مطامع سود جویانه و محاسبات سیاسی، عراق را به پنجمین قدرت نظامی جهان تبدیل کرده اند. و بالاخر مشکل بتوان اینرا هضم کرد که در ست ایالات متحده آمریکا که در گذشته بارها موازین بین المللی را نقض کرده اکنون که پای منافعش مطرح است چهره خود را بشکل بیشرع و دفاع از حق و اخلاق بزک نموده است.

زندگی پر ثمرشان در تاریخ معاصر ایران زیر خاک مدفون شده است. می پرسیم مگر چنین شخصیت های مبارزی در همین دوره ی ما زنده و سرومروگنده حضور ندارند؟ تازه کی گفته است که نام و نشان اینان باید همی اتفاق را در نوردد تا ما باورمان شود که وجود دارند؟ و واقعا معلوم نیست تصور ما از خودمان چیست؟ هر چه که هست زنگار کبر و خودخواهی مانع آن است که به هویت واقعی خودمان پی ببریم (به سیاقی که رفیق خسرو شاهی می خواهد).

اما مسئله چپ به بها و بهانه ی چپ: پیش فرض دیگر این است که باید هر چه توان داریم در اسرع وقت و باتمام انرژی مصروف اتحاد عمل نیروهای چپ کنیم چون این نیرو و فقط این نیرو است که قادر به انجام تحولات است. می دانید بنظر من بهتر است الکی شعار ندهیم. ما فعلا هشتمان گرو نعمان است. بگذارید اول ببینیم کیستیم و کجا می خواهیم بریم بعد بیائیم خطو مرز بکشیم برای جلو گیری از پراکندگی چپ. نمی خواهم آب سردی روی بدن گرممان بریزم و دل سردی را دامن بزنم. می گویم بهتر است فعلا در این مورد وارد جزئیات تئوریکش نشویم که دو باره به صرافت بیافتیم. ابتدا حرفهای خودمان را یک کاسه کنیم و یک دور نمای روشنی از خودمان و هدفمان داشته باشیم بعد به شناخت از دیگران به هدف جلوگیری از پراکندگی دست بزنیم. همینقدر که الان به این نتیجه رسیده ایم که دموکراسی محور است خودش کلی ارزش دارد و راه آورد کلی مباحثه و خون و دل خوردن است. با همین معیار می توانیم با دیگر نیروهای سیاسی وارد اتحادها و ائتلاف های مشخص شد. امروزه اگر سازمان ما با چند سازمان معتبر دیگر که ایده های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه دارند، اعلامیه می دهد و نشست و برخاست بی تنش دارد به میزان زیاد دستاورد حلاجی و جمع بست تئوریک همین مقوله فوق است. به همین دلیل بود که پس از انتشار مقاله ی سازمان که تلاشی بود برای گذردن روزنه ای برای مباحثه با دیگر نیروهای حاضر و موثر در اپوزیسیون، برای اکثر ما قابل هضم بود.

بیشتر از همه آنهایی که رنگ خودشان را سرخ تر از بقیه می پنداشتند (و می پندارند) رنگشان پرید و پته ی درکشان از

اکثریت) و انتشار گزارش و مصوبات آن، برای بازتاب همه جانبه و واقعی ترین رویداد بزرگ تاریخ سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و برای ادای سهم در حل مسائل و مشکلات رودر رو و تدارک واقعیتها و اصولی حرکات و تصمیمات در پیش و کنگره آتی، از نمایندگان شرکت کننده در کنگره، اعضا و هواداران سازمان و دیگر خوانندگان نشریه می خواهیم که ارزیابی خود از کنگره نخست سازمان و انتظارشان از رهبری منتخب آن و کنگره آتی را جهت نشر، برایمان ارسال دارند. این مطالب در صفحه ای که به همین منظور در "اکثریت" گشوده خواهد شد بچاپ خواهد رسید. در خواست داریم که پاسخ های خود را فشرده و خوانا بنویسید.

نمایندگان نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در آئینه آمار

تعداد فرزندان (نمایندگان متاهل)	وضعیت خانوادگی	سابقه کار با سازمان
بدون فرزند ۱۵ درصد	مجرد ۱۶ درصد	کمتر از ۵ سال ۱ درصد
یک فرزند ۳۵ درصد	متاهل ۸۴ درصد	۱۰-۱۵ سال ۸ درصد
دو فرزند ۴۶ درصد		۱۵-۲۰ سال ۶۸ درصد
سه فرزند ۴ درصد		۲۰-۲۵ سال ۲۵ درصد
چهار فرزند ۴ درصد		۲۵ به بالا ۳ درصد
پنج فرزند ۱ درصد		
		۳۶ درصد در سال ۵۷ (با انقلاب بهمن) به سازمان پیوسته اند
		۶ درصد از قبل از سال ۴۹ با جریان فدائی کار می کرده اند
		۳۸ درصد از سال ۴۹ تا ۵۷ به سازمان پیوسته اند
		۲۰ درصد پس از انقلاب به سازمان پیوسته اند

آخرین شغل نمایندگان قبل از مهاجرت

آخرین شغل نمایندگان قبل از مهاجرت	ترکیب سنی
کارمند ۲۱ درصد	کمتر از ۲۵ سال ۱۱ درصد
کارگر ۱۶ درصد	۲۶-۳۰ سال ۳۴ درصد
مهندس ۱۴ درصد	۳۱-۳۵ سال ۳۲ درصد
تکنسین ۱۱ درصد	۳۶-۴۰ سال ۱۷ درصد
حسابدار ۱۵ درصد	۴۱-۴۵ سال ۴ درصد
دانشجو ۵ درصد	۴۶-۵۰ سال ۱ درصد
پزشک ۴ درصد	۵۰ به بالا ۱ درصد
محصل ۴ درصد	
مدیر کارخانه ۳ درصد	
شغل آزاد ۳ درصد	
دبیر ۳ درصد	
متخصص شاغل در رشته های مدیریت، کامپیوتر، کشاورزی، حقوق، زمین شناسی، آمار ۷ درصد	
در صد شافلین قبل از مهاجرت متوسط سابقه کار ۶۶ سال	

هرض معذرت از رفیق خسرو شاهی که مقاله اش الان جلوی من است و بناچار تنها به همین مقاله هم اکتفا می کنم) "در ایران ما، آلوده ترین و خطاکارترین جریان چپ صدار بر جریان فیر کمونیستی شرف داشته است، صدار در آن موازین دموکراتیک برقرار بوده است. بهترین، اندیشمندترین، مردم دوست ترین و جانبازترین مبارزین سیاسی میهن ما در جریانهای کمونیستی متشکل بوده اند!!" (با بدست مرزاد! تازه این تر (یا بهتر شعار تبلیغی آبی) از مقاله ای بیرون می زند که نویسنده اش تلاش کرده است مطلقا باشد و همچون طبعی عیدان بیرحمی خار و خاشاک را از چهره ی طبیعی چیز مورد نظر بزداید. یک لحظه فکر کنید به این که مثلا هلی اکبر دهخدا را کجا بگذاریم. (الان توده ایها می گویند جزو کمیته مرکزی حزب و اصلا بنیانگذار حزب بوده است!) بسیاری شخصیت های مبارز مستقل که من و خیلی از هموطنان من با کمال تأسف از وجود بسیاری شان اطلاعی نداریم و پرونده ی

خود خواهی بیکرانی نشات می گیرد بی آنکه نیم نگاهی واقعیتها به خود و دیگر نیروهای جامعه بیاندازد. ما فکر میکنیم کلید حل معضلات ایران در جیب جنبش چپ ایران است و شیشه همربدختی ها و عقب ماندگی ها ... همانا حی و حاضر در دست ماست. آدم بعضی حرفها را می شنود شاخ در می آورد و بیاد هندوانه زیر بغل گذاشتنهای توده ای، راه کارگر، مجاهدین و ... می افتد که مدام بخودشان عنوان و جایزه و رسالت اهدا می کنند و خودشان را نماینده ی واقعی این و آن می دانند و برای دیگران تعیین تکلیف میکنند و یا احمقانه تر این و آن را تهدید می کنند. ما خودمان سابقه ی زشتی از همین عنوان چاق کردنها برای خودمان داشته ایم و هجا که با اینهمه بحث های متنوع و اکثرایر مغز و نقش هنوز هم آن فقه کبر و خودخواهی الکی از توی سرمان از بین نرفته و اینجوا تاجاتزهایی می دهم که بیشتر به شعارهای آبی و آبدوغ خیاری می ماند و تصور زشتی از مادر نظر دیگران ایجاد می کند. بعنوان نمونه: (با

فراخوان نشریه اکثریت

قبل از برگزاری نخستین کنگره سازمان، نشریه اکثریت در شماره ۳۵ خود طی فراخوانی از انتخاب شدگان و انتخاب کنندگان و همچنین دوستداران سازمان خواست که هدف خود در کنگره و انتظار از آن را برای چاپ در نشریه ارسال دارند. این فراخوان که عنوان "چه انتظاری از کنگره داریم، با چه هدفی به کنگره می رویم" را بر خود داشت بطور نسبی مورد استقبال قرار گرفت و پاسخ هایی برای نشریه ارسال شد. اکنون، پس از برگزاری نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (

ترکیب نمایندگان از نظر وابستگی ملی

فارس ۶۵ درصد	آذری ۲۲ درصد	کرد ۹ درصد	ترکمن ۲ درصد	بلوچ ۱ درصد	عرب ۱ درصد
--------------	--------------	------------	--------------	-------------	------------

سطح تحصیلات نمایندگان

کمتر از دیپلم ۳ درصد	دیپلمه ۱۹ درصد	فوق دیپلم ۶ درصد	دانشجوی قبل از مدرک ۳۲ درصد	لیسانس ۲۱ درصد	فوق لیسانس ۱۱ درصد	دکتر ۸ درصد
----------------------	----------------	------------------	-----------------------------	----------------	--------------------	-------------

سابقه کار سیاسی

کمتر از ۵ سال ۱۰-۱۵ سال ۱۱-۱۵ سال ۱۶-۲۰ سال ۲۱-۲۵ سال ۲۶-۳۰ سال ۳۰ به بالا	۱ درصد ۴۱ درصد ۴۵ درصد ۱۲ درصد ۳ درصد ۳ درصد
--	--

امان از دست این پیش فرض ها!

داوود چکلش - آمریکا

میدانیم که با توجه به شرایط جامعه ی ایران حتی کودکانترین و هارترین قشر بورژوازی که به اندازه ی یک جو پر نیسپ داشته باشد یعنی به امر تولید هم بپردازد - قادر است جامعه ایران را متحول سازد. حتی بدتر از این، بورژوازی دربار شاهی هم که در چاکری و دلالی پد طولانی دارد قادر است تحولات مثبتی را در ایران دامن زند. البته تحول داریم تا تحول، درست است. اما آیامگر ما کاملا میدانیم چه تحولات می خواهیم که آنرا بعنوان معیار داوری دیگران در مدنظر گیریم؟ این پیش فرض نامبرده که چپ را تنها بعنوان چپ تقدیس میکند، همطران همان پیش فرضی است که "رسالت تاریخی تغییر و تحولات را بر عهده ی طبقه کارگر و (البته) نمایندگان او" محروم شده می داند، یعنی از یک

اندیشه ی نزدیکی هر چه زودتر و بهم پیوستگی نیروهای چپ در ایران همواره بصورت آرزویی در میان بسیاری از افراد نیروهای سیاسی چپ ایران در آمده است. این آرزو بویژه پس از ضربات ۶۲-۶۳ به ما و برخاستن از خواب غفلت خیانت بار در میان نیروهای سازمان شکل قویتری بخود گرفت. مسئله از زوایای مختلف مورد بررسی قرار میگرفت و میگردد. موضوع مرکزی این بود و هست که کاری بکنیم تا از پراکندگی نیروهای چپ جلوگیری بعمل آوریم و مانع هرز رفتن نیروهای تئوریک و عملی در جنبش چپ ایران شویم. میدانید مسئله ی ممانعت از تفرقه با پیش فرضهای روحی و ذهنی تقریبا یکسان و واحدی کند و کاو میگردد. یکی از این پیش فرضها این است که چپ ایران تنها و تنها نیرویی است که قادر به انجام تحولات در جامعه ی ماست. آیا این پیش فرض درستی است؟ ما

کنگره جهانی سرطان در هامبورگ

حوا - ست ولی گفتنی است که این موادمی توانند جایگزین سیگار و دخانیات دیگر شوند و تنها می توانند برخی از هوارض ترک سیگار را کاهش دهند. به باور "ریچارد فرکر" از کانادا تلاش افراد سیگاری برای ترک آن معمولاً به شکست می انجامد. بیشتر افرادی که سیگار را ترک می کنند، پس از چندی دوباره کشیدن آن را از سر می گیرند. ۹۰ درصد افراد تنها در چهارمین یا پنجمین تلاش توانسته اند سیگار را ترک کنند. با این همه کسی هم که به ترک قطعی سیگار موفق می شود نباید انتظار داشته باشد که سرطان اصلاً به سرافش نیاید، زیرا که تا چندین سال بعد از ترک و در مورد افراد شدیدا سیگاری تا ۱۵ سال بعد هم خطر ابتلا به سرطان منتفی نیست.

یک پزشک دیگر از کانادا به نام آنتونی میلر بر آن است که تغذیه سالم می تواند به میزان زیادی خطر ابتلا به سرطان را کاهش دهد. غذای پر چربی زمینه ساز بروز سرطان سینه و روده است. به گفته وی چشم پوشیدن از کره حیوانی و روی آوردن به کره گیاهی هم چندان کار ساز نیست، زیرا که چربی گیاهی نیز می تواند سبب بروز سرطان شود. به باور میلر بهترین تغذیه عبارت است از روزانه ۵ وعده غذایی مرکب از سبزیها و میوه های گوناگون. وی البته نگفت که این تجویز سخت و سخت را چه کسی حاضر است که اجرا کند؟!

ویتامین ث که ماده کارایی در پیشگیری سرطان است افزون بر مرکبات در پاره ای از سبزیها و تره بار زرد (هویج و...) نیز یافت می شود و از این رو مصرف سبزیها نیز می تواند در ابتلا به سرطان نقشی پیشگیرانه داشته باشد. میلر در همین حال نسبت به خوردن خوراکیهایی که مواد شیمیایی و قیر به آنها افزوده شده و نیز نسبت به مصرف گوشت دود داده شده و کاسترین هشدار داد.

حال اگر کسی یافت شود که به رغم پرهیز از دخانیات و الکل و نیز به رغم خوردن غذاهای ویتامین دار باز هم به سرطان دچار شده باشد، چندان جای شگفتی نیست، زیرا مواد آلاینده محیط زیست و گازهای سمی پراکنده در هوا نیز می تواند سرطان زا باشند. بر پایه پژوهش سازمان جهانی بهداشت نزدیک به ۹۰ نوع سرطان را مواد و سموم موجود در محیط زیست پدید می آورند. متأسفانه گردهمگان در همایش هامبورگ به این امر توجه چندانی نشان ندادند و تنها به اشاره به عوامل سرطان زای انکارناپذیری همچون پنبه نسوز (که به عنوان هایت در ساختمان ها به کار می رود) و اشعه رادیواکتیو بسنده کردند. با اینهمه دست کم پ - اریکسن"، کارشناس بهداشت از آمریکا، یادآور شد که از هر سه شهروند آمریکایی یک نفر در محیطی سرطان زا کار می کند. به گفته وی مواد شیمیایی، گازها و گرد و خاک عمده ترین آلاینده های محیط کار هستند که می توانند بروز سرطان را سبب شوند. اریکسن همچنین این گمانه را پیش نهاد که میان شرایط کار و هادات و گرایشهای فرد در زندگی شخصی نوعی پیوستگی برقرار است. از همین رو رو آوردن به سیگار در میان کسانی که محیط کاری ناسالم و کاری سخت و سنگینی دارند، امری هادی و معمولی است.

ج بهداد

بقیه از صفحه ۸

سرطان مری هستند. به گفته "توینز" سرطان شناس فرانسوی، اگر فردی همزمان الکل، دخانیات و خوراک های پر چربی مصرف کند، احتمال دچار شدنش به سرطان مری بسیار بالاست. این واقعیت که در سال های پس از جنگ جهانی دوم به سبب کمبود الکل و دخانیات درصد ابتلا به سرطان مری به گونه ای چشمگیر رو به کاهش نهاد، نشانگر نقش عمده این عوامل در بروز بیماری یاد شده است. الکل به تنهایی هم می تواند سبب سرطان مری شود، از این رو افرادی که سیگاری نیستند، ولی از نوشیدن الکل پرهیز نمی کنند نیز از خطر دچار شدن به سرطان مری در امان نیستند. یک سوم قربانیان سرطان افرادی هستند که به سیگار معتاد بوده اند. به گفته دیگر سرطان شش بیشترین قربانی را می گیرد. با روی آوردن هر چه بیشتر زنان به سیگار سرطان سینه که در میان آنها بیشترین قربانی را می گرفت اینک می رود که جای خود را به سرطان شش بسیار دو در مرتبه دوم قرار گیرد.

نماینده گان "اتحادیه بین المللی در مبارزه با سرطان" (UICC) از کشورهای شوروی، آلمان شرقی، لهستان و مجارستان هجوم ویرانگر انحصارات سیگارهای غربی به بازارهای کشورهای خود را به باد انتقاد گرفتند. به گفته نیکلای ناپالکف، پژوهشگر سرطان از شوروی، تاپیش از پروسترویکا سیگارهای آمریکایی تنها در بازار سیاه و آتمم با پرداخت دلار در دسترس بودند. اما اینک این سیگارها در بازارهای اتحاد شوروی مثل نقل و نبات یافت می شوند. ناپالکف افزود: "به رغم جیره بندی سیگار و قیمت بالای آن در بازار سیاه اهالی مسکو در فاصله ژانویه تا ژوئن امسال ۲۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال پیش سیگار دود کرده اند. چندی پیش اجالی لنینگراد به تظاهرات خشم آکنی بر علیه کمبود سیگار دست زدند." بر پایه داده های ناپالکف بیش از ۵۰ درصد مردان شوروی به سیگار خو گرفته اند و مقصر اصلی هم در این زمینه "بتر کبیر" می باشد. زیرا او بود که سیگار را از غرب به روسیه وارد کرد و به رغم مخالفت اطرافیان و گماردگانش رواج آن را تشویق و ترفیب نمود. کار به جایی کشید که اگر کسی از کشیدن سیگار تن می زد به زندان می افتاد. در کشورهای جهان سوم نیز مصرف سیگار دما دم افزایش می یابد.

به گفته نیکل گرای از "اتحادیه بین المللی مبارزه با سرطان" هم اینک ۵۰ درصد از سیگاری های دنیا در کشورهای جهان سوم به سر می برند و این رقم تا سال ۲۰۵۰ به ۷۰ درصد افزایش خواهد یافت. بر پایه پیش بینی گوتفرد اشمیت، رئیس همایش هامبورگ، اگر آگاهی مردم جهان سوم نسبت به خطرات دخانیات افزایش نیابد و مصرف سیگار مهار نشود، ظرف ۵۰ تا ۱۰۰ سال آینده شمار قربانیان سیگار با شمار کشتگان همه جنگهایی که تاکنون روی داده اند برابری خواهد کرد.

دشواری اما آنجا نهفته است که پزشکان حاضر در همایش هامبورگ هیچ روش روشنی برای مبارزه با اعتیاد به سیگار پیش نهاده اند. درواقع قرض معجزه گری که به کمک آن ترک فوری سیگار ممکن باشد، هنوز کشف نشده است. اما کسی که به جای سیگار از آدماسهای نیکوتین دار و یا اسپری حلق استفاده کند، شش خود را از دچار شدن به سرطان نکه

توضیح

بعلت تراکم مطالب ادامه مقاله "برنامه نوین" و حل مسئله ملی در ایران، در شماره آینده نشریه به چاپ خواهد رسید.

از مطلب دورنیافته باشیم. صحبت بر سر بینش و پایگاه اجتماعی هنرمند بود. دو رکن اجتماعی شخصیت هنرمند یعنی پایگاه و بینش وی، هر زمان با هم سازگار نیستند.

بخصوص اگر هنرمند در کنار طبقه چیره، تنگ نظر و حال پسند قرار گیرد، واقع بینی روزمره او ممکن است کار دستش بدهد و در نهایت مطرود آن طبقه شود. تاریخ هنر و هنرمندان پر است از این نمونه ها. بیخود نبود که "ناصر خسرو" مدیحه های خود را سوزاند و مدافع نصرت اجتماعی مردم شد. یا "دانته" زبان مردم عامی را در شعرهایش قالب کرد و تولستوی اشرا فزاده هم نشین بیوانیان گردید.

اگر چه بینش و پایگاه اجتماعی نقش عمده ای در شخصیت هنرمند دارند ولی نقش تعیین کننده در آفرینش اثر هنری (و شخصیت هنرمند) را تنها از دریچه بینش و پایگاه اجتماعی نمی توان توضیح داد. عوامل دیگری چون دینامیسم داخلی و خارجی طبقه و قشر، دینامیسم شخصیت هنرمند و دینامیسم شئون اجتماعی همه بر قالب فکری هنرمند و بدین طریق بر ابداع اثر هنری نظارت دارند.

هنر و زیبایی

بقیه از صفحه ۵

تزیینی یا جمال پرستی که متضمن هیچ گونه اهمیت حیاتی نیست، چگونه می تواند فریزه باشد؟ از طرفی اگر چنین فریزه ای وجود داشت آیا انسان نخستین در گوشه های قار پیکر تراشی می کرد و اگر "تزیین" مد نظرش بود، آیا آثار هنری را از محل زندگی خود دور نگاه می داشت و آنها را روی هم می کشید (اشاره به حکاکی ها و نقاشی های روی هم انسان های نخستین).

(۴) "بالاخره برخی از هنر شناسان پیشین بر این اعتقاد بودند که: "انسان هنر را برای ممتاز کردن خویش و جلب ارادت و احترام دیگران ابداع کرده است."

همانطور که در بخش قبلی اشاره شد، انسان ابتدایی چنان گرفتار بود که محتاج چنین امتیاز طلبی نبود. علاوه امتیازات اجتماعی و امتیاز طلبی هنگامی ظهور کرد که انسان از صورت ابتدایی در آمد و تا اندازه ای بر طبیعت مسلط شد. پس هنر را نمی توان امتیاز طلبی اجتماعی به شمار آورد و باید آن را از عوامل اصلی حیات اجتماعی محسوب داشت.

پس به طور کلی می توان گفت که فرایز یا فطرت یا عوامل بیولوژیک از عمده تبیین هنر بر نمی آیند و لزوماً باید هنر را امری اجتماعی بدانیم و معتقد شویم که عامل اصلی مبین هنر در روابطی است که در دنیای خارج میان افرادش برقرار می شود.

حال اگر به تعریف هنر برگردیم، تعریف ما از هنر باید در برگیرنده اشارات فوق باشد. اینجا نکته ای را که لازم می بینم بدان اشاره کنم: تعریف هنر ضرورتاً و بلاواسطه به تبیین رسالت هنرمند منجر نمی شود، لکن هدف هنر و اشاعه آن در سطح جامعه را می توان با دقت از آن نتیجه گرفت. تولستوی در تعریف خود از فعالیت هنری چنین می گوید:

"بیدار کردن در ضمیر خویشتن احساسی را که انسان تجربه کرده است، و پس از بیدار کردن، نقل آن بواسطه حرکت یا خط یا رنگ یا صدا یا اشکالی که بوسیله کلام بیان می شوند به طوری که دیگران هم آن احساس را تجربه کنند. این است فعالیت هنری." او در سطور بعدی اشاره می کند که: "هنر فعالیتی است انسانی شامل اینکه یک فرد به طور آگاهانه و بوسیله بعضی نشانه های خارجی احساساتی را که در زندگی داشته است به دیگران منتقل کند، چنانکه دیگران نیز از آن احساس متأثر شوند و آنها را تجربه کنند."

"وردزورث" شاعر انگلیسی نیز کمابیش مانند تولستوی معتقد است که بیان شعری باید متکی بر "زبان هادی مردم" باشد.

در مقابل این نظر، نظریه هایی نظیر نظر "ماتیس" وجود دارند، در سال ۱۹۰۸ ماتیس در "یادداشت های یک نقاش" که در مجله ای فرانسوی منتشر شد گفت: "نکته این است که توجه بیننده را چنان هدایت کنیم که بیننده در تابلو دقت شود، اما به همه چیز فکر کند مگر به آن شیئی خاص که ما خواسته ایم بکشیم، باید او را بازداریم بی آنکه ناراحتش کنیم، باید او را هدایت کنیم که کیفیت احساسی را که بیان شده است، تجربه کند... در شگفت کردن بیننده خطرناک است، برای بیننده لازم نیست که تجزیه و تحلیل کند زیرا که این به معنی متوقف کردن توجه او خواهد بود نه رها ساختن آن... در شرایط مطلوب، بیننده بی آنکه خود بداند به خودش اجازه می دهد که گرفتار حیلۀ تابلو نشود. باید مواظب بود که از جانب او حرکت شگفت زدگی سر نزند، ولو اینکه خودش متوجه نباشد، باید حتی الامکان صنعت را پنهان کرد." تمام این جملات را نقل کردم تا به دیدگاه ماتیس پی ببریم و اختلاف عمده نظر وی با نظر تولستوی را ببینیم. به نظر من اختلاف عمده میان دو نظر در ماه فهم بودن اثر هنری است یا به عبارتی در انتقال.

تولستوی روی انتقال فی البداهه اصرار می ورزد و ماتیس نیز عدم انتقال فی البداهه را مطلق می کند. حال آنکه "رذنه انی است و نه آن"، اصرار تولستوی، اصرار واحدی بی جاست. اگر هنری را که وسیعاً و سریعاً منتقل نشود را هنر ندانیم آنگاه باید دانته، شکسپیر و بتھوون را بدرد گفت! برعکس اگر فکر کنیم که صنعت هنری حتماً باید پنهان باشد، دیگر تولستوی و هزاران هنرمند ساده نویس مردمی صاحب هنر نیستند و در گنجینه هنر فولکلوریک را باید تخته کرد! بهر حال، تعریف تولستوی از هنر هر گاه کامل می شد که بقول رید "ایجاد تفاهم" در کنار "بیان احساس" می آمد. در این صورت "فی البداهه بودن انتقال" قدری تامل می طلبد. نکته نیز همین جاست. هنر مسئولیت پالایش عواطف ما را نیز برعهده دارد. موسیقی بتھوون سالها بعد بود که

مقبولتر شد تا در طی سالهای زندگی این سرشناس عالم موسیقی... و از این دست نمونه ها در تاریخ هنر بسیار داریم. تاثیر موسیقی بتھوون، در واقع، چیزی جز تصفیه - تاریخا انجام شده - عواطف و احساسات مانود که بعدها با مدرکات ماهها هنگ شد و تمام وجود ما را فراگرفت. نکته دیگر در تعریف تولستوی تجربه احساس است. این تجربه لزوماً همین نیست، می تواند ذهنی و ساخته مخیله هنرمند و محصول انباشت فکری وی باشد. در این صورت "آرمان" هنرمند مطرح است و ارائه این آرمان در این صورت می توان تعریف زیر از هنر ارائه داد:

"هنر بیان تجسمی هر آرمانی است که هنرمند توانسته باشد آن را در صورت تجسمی تحقق بخشد." اما بیان این آرمان یا "حقیقت" طوری باشد که احساسات ما را برانگیزاند و ایجاد تفاهم بکند. البته نباید مفهوم ادراک آگاهانه را با تفاهم و هماهنگی احساسات را با مدرکات مخلوط کرد چرا که در این صورت هر شکلی از بیان حقیقت یا آرمان بحساب خواهد آمد! در همین راستاست که ویلینسکی به خطا هنر را به دو بخش تقسیم می کند و می گوید: "ما بادمفهوم کاملاً متفاوت از هنر سروکار داریم، هنری که برای خدمت به دیانت بوجود می آید و هنری که بعنوان یک اندیشه آگاهانه دنبال می شود."

حال آنکه جاذبه هنر همدتا متوجه درک آگاهانه نیست بلکه محصول شهود و درک مستقیم است، اثر آن در حس است، اثر هنری بیان مستقیم حقیقت نیست بلکه کنایه ای از حقیقت است، و پیش از حضور تمام هیار ما کار خود را می کند.

نکته دیگر در عدم اختلاط مفاهیم احساساتگیری و هنر است. اثر هنری باید به ساختن شخصیت انسان است. ما اثر هنری را مورد تعمیق قرار داده و احساس رهایی می کنیم، احساس سمپاتی (که خود نوعی رهایی احساس است) می کنیم، احساس شدت و تعالی به دست می دهد. فرق اساسی نیز در اینجا است. احساساتگیری رهایی احساس همراه باضعف ویا وارفتن عواطف است در حالیکه هنر رهایی احساس همراه با قوت و استواری است.

در یک اثر هنری باید به بیدار هنر پنهان نیز رفت. یک سر اثر هنری به "حقیقت هنرمند" یا "شخصیت هنرمند" متصل است. در یک اثر هنری کامل همه عناصر بهم مربوطند و وحدتی بیش از حاصل جمع ساده عناصر را پدید می آورند. "ویسلر" نقاش معروف، این نکته را بخوبی بیان کرده است. او می گفت که در نگهباش را با مغزش مخلوط می کند. وقتی که عناصر یک اثر هنری را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم، باید مقصر فرار و غیر ملموس یعنی شخصیت و فردیت هنرمند را نیز بحساب بیاوریم. شخصیت هنرمند میانجی واقعیت و اثر هنری است. عوامل بسیاری از جمله خصوصیات فیزیکی، موقعیت ها، سن، اوضاع و آگاهی اجتماعی هنرمند، همه و همه در شخصیت هنرمند موثرند که از همه بیشتر پایگاه اجتماعی و بینش اجتماعی هنرمند مهم واقع می شوند.

اگر بخواهیم به بحث حول بینش بپردازیم، رکن اصلی بینش یعنی "شناخت" را باید بشکافیم. اینکه شناخت چیست، چگونه از محیط تاثیر می پذیرد و محیط را متأثر می کند و قیریه بیشتر بحث فلسفی است. تنها در اینجا بدین اکتفا می کنیم که مهمترین هملکرد شناخت، پیش بینی است. نه تنها هنرمندان بلکه تمامی نظر مندان پدیده های هستی را از طریق و اقلیت های پیرامون مورد مطالعه قرار می دهند و به آفرینش آینده از بطن حال می پردازند. بنابراین نظر مند و بینش ور، مقتضیات آینده را پیش از مقتضیات حال مورد توجه قرار می دهد. بطور خلاصه انگیزه های عمده حرکات آنان در واقعیات آینده قرار دارند.

جامعه شناسی هنرمندان نشان می دهد که بیشتر هنرمندان از طبقه متوسط جامعه برخاسته اند ولی بعلت اشتغال به کار فکری خود را از دیگر اقشار متوسط دور می بینند و از سوی دیگر بعلت بینش اجتماعی خود سنت شکن می گردند. "طبقه گریزی" هنرمندان و روشنفکران کشاکشی است که بیشتر حیات هنرمند را بخود اختصاص می دهد. در نتیجه هنرمند بینش ور ما باید به خواص بیوژند و دیاب هوام. خواص به او "قدرت"، مادیات، ضرورت و اشتها" می دهد و هوام "کوشش"، امیدواری، و نوآوری"، هنرمندانی که نه در این سو و نه در آن سو قرار می گیرند، معمولاً گرفتار خیالپردازی، توهم، خودبینی و پوچ گرایی می شوند و این را در آثار هنری خود به نمایش می گذارند.

مختصات تعلق هنرمندان به "خواص" یا "عوام" با مقتضیات طبقه مربوطه و نیز زمانه تغییر می یابد. این شکل تعلق خود را باز در آثار هنری

طرح پنج عضو دائمی شورای امنیت برای کامبوج

می‌شود. منابع سازمان ملل می‌گویند نبردهای کنونی در کامبوج زمانی خاتمه خواهد یافت که طرفهای درگیر با طرح صلح اضطراری شورای امنیت موافقت کنند. چهار طرف درگیر بدکنفرانس در باره کامبوج که قرار است اواسط سپتامبر تحت ریاست اندونزی و فرانسه در جاکارتا برگزار شود، دعوت شده‌اند.

اکنون همه گفتگوها پیرامون صلح در کامبوج، همدت تحت تأثیر اختلاف بر سر تناسب قوا در شورای ملی که قرار است در دوره گذار حکومت کند، به بن بست رسیده بود. خبرهای سرخ که هنگام حکومت خود در دهه ۷۰ دست به کشتار میلیونها نفر زدند، تاکنون بر تقسیم مساوی کرسی های شورای ملی میان چهار طرف درگیر پافشاری می‌کردند، در حالی که دولت کامبوج به ریاست هون سن نخست وزیر فعلی خواهان اشغال نیمی از کرسی های شورای است. در صورت اجرای طرح صلح، شورای ملی کرسی کامبوج در سازمان ملل را نیز که هم اکنون هنوز در اشغال دولت در تبعید شورشیان است، همدار خواهد شد.

در حالی که طرفداران سیچانوک با طرح صلح مزبور و شرکت در کنفرانس جاکارتا موافقت کرده‌اند، هنوز واکنشی از سوی دولت کامبوج و خبرهای سرخ گزارش نشده است. یک نماینده اندونزی برای کسب موافقت دولت کامبوج با این طرح به پنوم پن پایتخت کامبوج رفته است.

حکومت خواهد کرد اما تا برگزاری انتخابات بسیاری از اختیارات مهم خود را به سازمان ملل واگذار خواهد نمود.

اگر طرح اعضای دائمی شورای امنیت اجرا شود، دولت کامبوج، خبرهای سرخ و دو گروه شورشی تحت رهبری نوردوم سیچانوک در جریان خلع سلاح، نیروهای خود را در مراکز مجتمع خواهند کرد. سلاحها در انبارهای مشترک نگهداری خواهند شد. در مرحله اول، هر گروه به سلاحهای خود دسترسی خواهد داشت اما حمل سلاحها ممنوع خواهد بود. در مرحله دوم، سازمان ملل نیز به سلاحها دسترسی می‌یابد و در مرحله سوم، کنترل سلاحها بطور کامل به سازمان ملل منتقل خواهد بود. شوراسما بر کامبوج

طرح، سازمان ملل بر اجرای آتش بس و خلع سلاح گروههای مسلح نظارت کرده، به امر سازماندهی انتخابات یاری رسانده و تضمین خواهد کرد که کلیه نیروهای ویتنامی از کامبوج خارج شده باشند و کامبوج بی طرفی خود را حفظ کند. در مرحله بعد، سازمان ملل همدار اداره وزارت دفاع، وزارت خارجه، وزارت دارایی، وزارت امنیت عمومی و وزارت اطلاعات کامبوج خواهد شد. اجرای این بخش از طرح تابع این امر خواهد بود که تا چه حد کار شورای عالی ملی کامبوج بدون اشکال پیش رود. چهار طرف درگیر در جنگ داخلی در شورای مزبور نمایندگانی خواهند داشت اما شمار نمایندگانی آنها یکسان نخواهد بود. شوراسما بر کامبوج

پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از هشت ماه مذاکره، بر سر یک طرح صلح برای کامبوج توافق کردند. منابع سازمان ملل این توافق را نقطه عطفی در تلاش برای برقراری صلح در کامبوج دانستند. اما نمایندگان آمریکا، شوروی، چین، فرانسه و انگلیس، اعضای دائمی شورای امنیت، تاکید کردند آنچه تاکنون مورد توافق قرار گرفته، هنوز یک چارچوب کلی است. طرفداران سیچانوک از توافق اعضای دائمی شورای امنیت استقبال کردند. طرح مورد توافق، بر اساس پنج سند تنظیم شده است و پیش بینی می‌کند که تا انجام انتخابات آزاد، یک شورای عالی ملی مرکب از چهار طرف درگیر در جنگ داخلی تشکیل شود. طبق این



توضیح

بزرگ شدن قطع نشریه اکثریت، افزایش متوسط تعداد صفحات آن و افزایش هزینه‌های پستی، هزینه تمام شده برای هر شماره نشریه را افزایش داده است.

از شماره ۳۱۵ بهای هر شماره اکثریت معادل نیم مارک آلمان فدرال افزایش یافته است. بنابراین تک شماره نشریه اکثریت معادل ۲ مارک به فروش می‌رسد. در زیر فرم آبونمان بر اساس قیمت های جدید بچاپ رسیده است. بدیهی است افزایش قیمت شامل مشترکین قبلی نشریه نشده و نشریات در خواستی تا پایان مهلت آبونمان برایشان ارسال خواهد شد.

باند پول پوت بیش از سه میلیون خمر را کشت. آن هاتحاد مدرسه "تول سلنگ" ۱۵۰۰۰ نفر را کشتند. جانیان می‌پنداشتند که با کشتار، می‌توان سکوت را ابدی ساخت. آن ها باور نداشتند که "مردگان، خود نریا در همدانند". تصاویر قربانیان جنایت پول پوتی ها در "تول سلنگ"، بر دیوارهای این مدرسه نصب شده است. اینان یادآور یکی از تیره ترین ادوار تاریخ سرزمین "آنگ کور" هستند.

"تول سلنگ" نام مدرسه‌ای است در بخش جنوبی پنوم پن. پلیس مخفی پول پوت، آنجا را به زندانی تبدیل کرده بود که مردم کامبوج به آن عنوان "کارخانه مرگ" داده بودند. هنگامی که باند پول پوت ینگ ساری در کامبوج به قدرت رسید، دورتادور مدرسه با سیم‌های خاردار محصور شد و ساختمان آن به سلول‌های انفرادی تقسیم گردید. مسئولین همچنین تجهیزاتی از قبیل دستبند و زنجیر و چون اینان در آن مستقر نمودند.

بیش از یک میلیارد انسان کمتر از ۳۷۰ دلار در سال درآمد دارند

دشواریهای مضاعف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبرو هستند. همچنین آلودگی محیط زیست بیش از سایر مردم به انتشار فقیر لطمه می‌زند.

در گزارش بانک جهانی آمده است در دهه ۸۰ فقر در بسیاری از کشورهای به ویژه در آمریکای لاتین، جنوب صحرای آفریقا و در اروپای شرقی افزایش یافت، در حالی که در شرق آسیا، بهبود معینی مشاهده شد. پیش بینی بانک جهانی این است در سال دویزار، حداقل ۸۲۵ میلیون انسان دچار فقر مطلق خواهند بود. کاهش تعداد فقر با این شمار تنها در صورتی امکان پذیر است که خدمات رفاهی دولتی به فقر گسترش یافته و رشد اقتصادی اشتغال را مورد تاکید بیشتری قرار گیرد. اما در این حالت باز هم شمار فقر در آفریقای سیاه از ۱۸۰ به ۲۶۵ میلیون نفر افزایش خواهد یافت.

بانک جهانی می‌نویسد اعتباراتی که تاکنون به جهان سوم داده شده است، غالباً بیشتر به ثروتمندان این بخش از جهان رسیده است تا به فقر. در بعدی و آموزش کشورهای جهان سوم، بین ۸۵ تا ۷۰ درصد هزینه‌ها صرف بخش مرده تر مردم می‌شود.

گزارش سالانه بانک جهانی درباره توسعه که اخیراً درواشنگتن انتشار یافت حاکی است بیش از یک میلیارد انسان، یعنی در حدود یک سوم جمعیت کشورهای رشد یابنده، در حال حاضر در فقر مطلق زندگی می‌کنند. حد تعیین شده برای تعریف "فقر مطلق" از سوی بانک جهانی، در آمد سرانه ۳۷۰ دلار در سال است. عوالت فقر مطلق در هر صدهای مختلف رخ می‌نماید: سوتغذیه، کمبود پوشاک و بی مسکنی، انتظار عمر پایین و در صد بالای مرگ و میر کودکان. هر سال در کشورهای جهان سوم ۱۵ میلیون کودک زیر ۵ سال از بیماری‌هایی جان می‌سپارند که در کشورهای صنعتی معمولاً قابل درمان است. هم اکنون ۱۱۰ میلیون کودک در سراسر جهان از رقت به مدرسه محرومند.

علیرغم تفاوت های چشمگیر میان کشورهای مختلف جهان سوم، گزارش بانک جهانی به وجوه اشتراک معینی در پدیده فقر در این کشورها اشاره می‌کند. همدتا ساکنان روستاها هستند که به علت نداشتن زمین دچار فقرند. در همین حال فقر در شهرها به ویژه در شهرهای آمریکای لاتین، به وضوح رو به گسترش است. زنان با

نمایندگان نخستین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آئینه آمار

در صفحه ۶

وقتی زندان هم نان و آب دارد

مبلغی تا دهها میلیون دلار بالغ خواهد شد. گویی در این جهان، برای آنهایی که ثروت بیکرانیشان را با هر شیوه‌ای که ممکن است افزون می‌کنند، همه چیز نان و آب دارد، حتی زندان!

اسم همدان محمد قاشقچی راحت‌اشنیده‌اید. جانوری است که میلیاردها دلار ثروت دارد و در جریان ایران گیت هم نامش سر زبانها افتاد. همه کاره است: قاچاقچی اسلحه، متقلب مالیاتی، پیشکار دیکتاتور و دلال معاملات پنهانی. شهروند عربستان سعودی است اما اکثر اوقات خود را در ویلاها و هتل‌های گران قیمت اروپا و آمریکا می‌گذراند.

این آقا را روز ۱۸ آوریل سال ۱۹۸۹ در هتلی در برن پایتخت سوئیس دستگیر کردند. مقامات دادگستری آمریکا تقاضای بازداشت او را کرده بودند زیرا قاشقچی متهم بود که به مارکوس دیکتاتور سابق فیلی پین در پنجاه کردن دو بیست میلیون دلار به صورت سرمایه گذاری در ساختمانهای تجاری نیویورک کمک کرده است. روز دوم ژوئیه امسال، قاشقچی و ایملدا مارکوس بیوه حاکم سابق فیلی پین به حکم دادگاهی در نیویورک از انجام حیف و میل اموال دولت فیلی پین تبرئه شدند.

اکنون ذهن مقامات سوئیس را این سؤال به خود مشغول کرده است که آیا قاشقچی بابت دستگیری خود، ادعای خسارت خواهد کرد یا نه. بهانه وکلای قاشقچی برای طرح احتمالی ادعای خسارت، چاپ هکس های قاشقچی پس از دستگیری و با شماره های مخصوص بازداشتی‌ها در روزنامه‌های سوئیس است. می‌گویند ادعای خسارت قاشقچی به

کنگره جهانی سرطان در هامبورگ

یک سوم قربانیان سرطان را سیگاری ها تشکیل می‌دهند

کرد. این دارو از پوست تنه درختی به نام "تاکسوس باکاتا" بدست می‌آید و در مبارزه با برخی از سرطان‌ها تأثیری شگافش دارد. اما یک سرطان شناس سوئدی درباره استفاده از مواد و گیاهان طبیعی نظر دیگری داشت. وی بر آن بود که چنین شیوه‌هایی به لحاظ علمی اثبات نشده‌اند و ۱/۷ میلیون دلاری که سالانه در اروپا هزینه این گونه شیوه‌های درمانی می‌شود معمولاً سودی به بار نمی‌آورد. شیوه‌های درمانی در زمانی که کمک مواد طبیعی و فرآورده‌های گیاهی تنها پس از آنکه بیمار جراحی شده یا زیر اشعه قرار گرفته و یا با مواد شیمیایی chemotherapy تحت درمان قرار گرفته باشد، به کاهش درد کمک می‌کنند. از این رو چنین موادی باید به عنوان آرامش بخش به کار روند نه به جای داروی شفا بخش.

در همایش هامبورگ بار دیگر دخانیات و خوراک‌های پر چربی به عنوان عوامل سرطان‌زا مورد تاکید قرار گرفتند. برای سرطان شناسان اینک دیگر جای هیچ تردیدی نیست که الکل، دخانیات و خوراک‌های پر چربی عمده ترین عوامل بروز بقیه در صفحه ۷

از هر چهار مرگ و میری که روی می‌دهد، یکی از آنها ناشی از ابتلا به سرطان است. از همین رو سرطان هنوز هم خطرناکترین دشمن جان انسان به شمار می‌رود. همین امر سبب شده است که جامعه پزشکی جهان برای چاره جویی و تبادل نظر در زمینه مبارزه با سرطان همایشها و گردهمایی‌های منظم و بسامانی داشته باشد. در ماه اوت امسال نیز ۱۰۰۰۰ پزشک و دانشمند از سراسر جهان و از جمله از ایران در هامبورگ گرد آمدند تا رهیافت‌ها و دستاوردهای خویش در مبارزه با سرطان را رد و بدل نمایند. در این همایش ۲۰۰۰ نوشتار پژوهشی و ۳۰۰۰ مورد نمایش هکس و اسلاید مورد بررسی و گفتگو قرار گرفتند. آنچه که در پی می‌آید برگردان گزارش نشردهای است در زمینه برخی پژوهشها و پیشرفت‌های مطرح شده در این همایش.

آنچه که در این گردهم‌آیی تازگی داشت توجه بیشتر به روش‌های درمانی سرطان بود. ساموئل برادر، سرپرست بزرگترین انجمن مبارزه با سرطان در آمریکا خواستار آن شد که در مبارزه با سرطان به مواد و گیاهان طبیعی اهمیت بیشتری داده شود و برای نمونه بهره‌گیری از "تاکسول" را پیشنهاد

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
شش ماهه	۱۱ مارک	۱۳ مارک
یک ساله	۲۱	۲۴

بهای اشتراك	اروپا	دیگر نقاط
شش ماهه	۳۲ مارک	۳۹ مارک
یک ساله	۶۲	۷۶
یک ساله	۱۲۰	۱۵۰

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور حساب بانکی: M.ABD کد بانک: NR- 35263011 37050198 Stadtsparkasse Köln W. GERMANY	AKSARIYAT NO. 317 MONDAY 3.Sep.1990 آدرس: RUZDEH POSTFACH 1810 5100AACHEN W. GERMANY
--	--